

پیرامون جدایی سازمان مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان

جدایی سازمان مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان یکی از رویدادهای منفی‌های اخیر در صفوف نیروهای ترقیخواه ایران است. این جدایی و تیزبندی آردهای بحران زای اقدامات غیر قابل توجیهی که سازمان مجاهدین آنرا "انقلاب ایدئولوژیک درونی" نامیده است، گشایش تازه‌ای در کار دشمنان مردم پدید آورد.

در سندهایی که با امفای شورای ملی مقاومت در نشریه‌ها می‌دهد نشان داده شده، گفته می‌شود اختلاف بر سر مذاکرات سیاسی حزب دموکرات کردستان با حکومت است. در این سندها مجاهدین اعلام کرده‌اند که: رد نکردن هرگونه مذاکره سیاسی با رژیم خود به معنی عدم بازه در راه سرنگونی رژیم و نفعی اصل بنیادین مورد توافق طرفین آنجا دوشینتا به معنی خروج از اتحاد است. در سندی که با امفای "شورای ملی مقاومت" در نشریه‌ها (شماره ۲۴۲) منتشر شده، از حزب دموکرات کردستان خواسته شد که با امفای آن سند "هرگونه مذاکره سیاسی با رژیم خمینی" را "منتهو و محکوم" بشناسد و در صورت عضویت آن در "شورای ملی مقاومت" فسخ خواهد شد.

حزب دموکرات کردستان در مقابل، مذاکره با رژیم را مجاز می‌شمارد و نیز اعلام کرده است که هدف از مذاکرات دستیابی به آتش‌بس به منظور تقویت مواضع خود بوده و نه چانه‌زنی و سازش با رژیم بر سر امحاء عمومی و ملی حزب رهبری حزب دموکرات کردستان دلیل اصلی کشاکش مجاهدین و حزب خود را اختلاف مورد چگونگی رهبری "شورای ملی مقاومت"، مناسبات درونی اعضا آن و مناسبات آن با دیگر نیروهای سیاسی می‌داند. حزب دموکرات کردستان اعلام کرده که در جلسه تصمیم‌گیری پیرامون سندی که هرگونه مذاکره با رژیم را "منتهو و محکوم" اعلام می‌کند، او را شرکت نداشتند و مطابق توافقی که موجود است که بدون حضور نمایندگان آن تصویب کرده، اعتبار ندارد.

مذاکره سیاسی با دشمن اصولاً در هر شرایطی نادرست نیست. هزاران تجربه این حکم را بطور قطعی اثبات می‌کند. مذاکره سیاسی با دشمن (حتی در شرایطی که نبردهای صورت یک جنگ تمام عیار باشد) می‌تواند گاهی ضرورت قطعی پیدا کند و بعنوان یک شکل از مبارزه علیه دشمن از سوی نیروهای ترقیخواه بکار گرفته شود.

یک نمونه بسیار برجسته بهره‌گیری انقلابیون ویتنام به رهبری حزب کمونیست آن کشور از گفتگوهای سیاسی است. انقلابیون ویتنام در اوج جنگ با امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده آن با رژیم پیگیرانه کوشیدند دشمن را پای میز مذاکره به عقب نشینی وادار سازند و در این زمینه نیز پیروزیهای شایسته دست آورده‌اند. امروز نیز بهره‌گیری انقلابیون السالوادور از مذاکرات سیاسی به منظور تقویت و تحکیم مواضع خود یک نمونه زنده در نظر می‌آید که هرگونه مذاکره با دشمن را قطع نظر از شرایط نفی می‌کند.

از سوی دیگر با بدگفت‌ها و حقایق فوق هرگز بقیه در صفحه ۲

تظاهرات گسترده مردم علیه جنگ و رژیم

از گسترش با زهم بیشتر تظاهرات و اعتراضات مردم جلوگیری نماید. در ماه گذشته نیز همانند ماه فروردین در اثر حملات سفاکانه با ساران به مردم بجان آمده از تبهکارانه رژیم خمینی، تعدادی از هم میهنان ما بخون کشیده شدند. گسترده ترین حرکت اعتراضی ماه گذشته تظاهرات بزرگ مردم زحمتکش و به تنگ آمده از جنگ در اهواز بود که در هفته پایانی مساه اردیبهشت صورت گرفت. بر زمین نفرت عمومی مردم از رژیم خمینی، انتشار مقاله‌های اهانت بار علیه خلق عرب خوزستان، انگیزه برپایی این تظاهرات گردید. هزاران تن از مردم خوزستان در روز سه شنبه ۲۴ فروردین ماه در حالیکه علیه رژیم جمهوری اسلامی شعار می‌دادند، در خیابانهای اهواز به حرکت درآمدند.

پیش از آن هموطنان عرب اهوازی در مرحله بقیه در صفحه ۲

تدارک برای تحمیل قانون کار ارتجاعی

هیات دولت روز هشتم اردیبهشت ۶۴، لایحه جدید قانون کار را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارایه داد. طی ۶ ساله اخیر، این سومین پیش نویس قانون کار است که توسط رژیم جمهوری اسلامی، تنظیم شده است. نخستین پیش نویس "قانون کار اسلامی" را در پاییز ۶۱ توسط علی عسکری کرد، ولی هیات دولت، بواسطه اعتراضات میلیونی کارگران و افشاکاری‌های بیگانه سازمان مساو حزب توده ایران، علیرغم میل باطنی خود، مراتب نگرداند این پیش نویس را به یک لایحه دولتی تبدیل کند. دومین پیش نویس قانون کار در زمستان ۶۲ توسط سرحدی زاده ارایه شد. این پیش نویس نیز که ملغمه‌ای از پیش نویس توکلی و قانون کار زمان شاه بود، در اثر اعتراضات بی دردی کارگران - که نقطه اوج آن، اعتراض یکپارچه اجتماع ۵۰۰ نفره نما بندگان کارگران در خانه دخانیات بود - به تصویب هیات دولت نرسید. رژیم ارتجاعی و کارگزاران جمهوری اسلامی یک سال پس از آخرین ناکامی اش در تصویب یک قانون کار ارتجاعی، دست به توطئه تازه ای زده و پیش نویس جدید قانون کار را این بار مخفیانه به لایحه دولتی تبدیل کرده است. فراتر و قویا نه تر از آن اینکه، حتی پس از ارایه به مجلس نیز کمترین اشاره به مضمون بقیه در صفحه ۹

حرکات اعتراضی مردم علیه رژیم فمردمی و جنگ آفریز خمینی در ماههای اخیر گسترش باز هم بیشتری یافته است. در چند هفته گذشته نیز شهرهای مختلف کشور، صحنه تظاهرات و اعتراضات گسترده‌ای علیه رژیم بود. امروز وضع بگونه ای است که در هر فرصتی اجتماعات اعتراضی برپا می‌گردند و آن مردم نفرت خود را از رژیم جمهوری اسلامی ابراز می‌دارند. واکنش رژیم در مقابل اشکال مختلف اعتراضات مردم گسیسل دستجات مسلح ارگانهای سرکوب است تا شاید بتواند

وزیر صنایع رژیم

"مرغ ما هم مونتاز است!"

بهزاد انبوی وزیر صنایع سنگین رژیم جمهوری اسلامی طی گفتاری بمناسبت سالگرد قطع رابطه با آمریکا در روز ۲۱ فروردین به توضیح وضعیت فاجعه انگیز صنایع کشور و توجیه برنامهای دولت برای گسترش با صلاح فعلیتهای صنعتی که در حقیقت جز تحکیم وابستگی به اقتصاد امپریالیستی نیست، پرداخت.

آقای وزیر در توضیح مشکلات موجود، ضمن اشاره به وضعیت با زمانده از زمان شاه برای شاندهالی کردن از وضعیت موجود، گفت: "ما در همه صنایع وابسته‌ایم، حتی در جوجه‌کشی" و با ادعای موفقیت در تولید جوجه یک روزه، اضافه کرد: "مرغ ما هم مونتاز است! مرغ ما در از خاچ، جوجه یک روزه تا چند وقت پیش از خاچ، در نان (خوراک) آنها ز خاچ و بعد از جنگ گاز و زوئیل مورد نیاز از صنعت گسترش از خاچ می‌آید. او همین گفت: "صنعت ما صنعتی مدرن و وابسته و نا همگونی کافی برای کشور است."

اینجا حقایق آشکار و افشاکاری است که مردم از زبان آقای وزیر می‌شنوند. چرا و این حرفه‌ها را می‌زند؟ اگر اینجا و آنجا برخی سران رژیم برای فریب مردم، بیشتر ما نه دم زشکوفایی، رشد و حرکت به سوی خودکفایی اقتصادی می‌زنند، در اینجا بهزاد انبوی شکرده زمان پیش شده دیگری را برای فریب مردم انتخاب کرده است. او تلاش می‌کند با گفتن گوشه‌هایی از واقعیت فاجعه با صنایع مربوط کردن آن به رژیم گذشته، پوششی بر زرفای ورشکستگی و نتایج وخیم سیاستهای پر مدعیان رهبران جمهوری اسلامی در ۶ سال گذشته بکشد. او نمی‌گوید که چگونه خیانت به انقلاب و در عمل تجدید و تشدید همان روندی که در زمان شاه به بست اقتصاد ایران منجر شد، صنایع و کشت و زوری ما را به نا توانی بقیه در صفحه ۴

ادای احترام ریگان به فاشیسم هیتلری

به هنگامی که ملل جهان چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم را جشن می‌گرفتند، ریگان رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود به آلمان فدرال از گورستان ما موران مخوف اس-اس، این تبهکاران شهسره فاشیسم هیتلری دیدار کرده و گل نثار رقان کردگان و زنان و مردان و میلیونها انسان شریف از ملل مختلف جهان نمود.

ریگان نشاننده ارتجاعیترین جناح امپریالیسم آمریکا زمانه است که دست گل برپای قبر جناحیتکاران آلمان نازی گذاشت که بشریت ترقیخواه و مسلح دوست جهان، با همه کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها مردم اتحاد شوروی بخاطر بیداری ملل جهانی در جهل سال گذشته سرور و شانهای پای می‌کوبیدند و با چهره‌های مضم و ممت‌های گره کرده علیه جنگ آفروزان فریاد می‌کشیدند.

رئیس جمهور آمریکا از گورستان شیشتهایی دیدار کرد بقیه در صفحه ۸

تلفیق کار مخفی و علنی

و ضرورت کار سازمانگرا نه در میان توده‌ها

در صفحه ۶

درگذشت رفیق ایرج اسکندری کمونیسست پوسابقه و نامدار

رفیق ایرج اسکندری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و یکی از رهبران و بنیانگذاران حزب توده ایران در حالی که قلبش آکنده از امیدها بنده و آزاده از تبهکارانه‌های ستعماران مرتجع بود در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۴۴ پس از یک دوره طولانی بیماری درگذشت.

رفیق ایرج اسکندری در سال ۱۲۸۷ در تهران متولد شد و پس از پایان تحصیلات متوسطه، تحصیلات عالی خود را در فرانسه به پایان رساند. وی در دوران سپاه رضاخانی به سئوگر پیوست و در سپاه رضاخانی از پایان تحصیلات و بازگشت به ایران به همراه دانشجویان ترقی آرائی و باران مجله "دنیا" را بنیاد نهاد.

بقیه در صفحه ۸

مبارزات کارگران؛ مسائل و وظایف

نشریه "کار" به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، با رفیق ما زیا رکاکوان، عضو مشاورهات سیاسی و مسئول شعبه کارگری کمیته مرکزی سازمان، مباحثه‌ای در تریب داد، که اکنون شرح آنرا با اندکی تاخیر به چاپ می‌رسانیم.

در صفحه ۳

در این شماره:

- همبستگی بین‌المللی با مبارزات مردم و سازمان فدائیان خلق ایران (انگیزه) در صفحه ۱۲
- تلاشهای مذبوحانه سلطنت طلبان در صفحه ۵
- یک پیروزی دیگر برای کارگران در صفحه ۷
- جایات دسته‌های حزب الله در صفحه ۷
- سرنوشت قانون اراضی شهری در صفحه ۵
- نابای جان، برای مین و مردم در صفحه ۱۲
- چشم‌ان مردم باز است! در صفحه ۸
- به یاد مجاهدین شهید حنیف‌زاده و یاران در صفحه ۸
- آن مادر فرمان، دیگر در میان مایست در صفحه ۸
- نیکارا گول پیروز است در صفحه ۹

علیه جنگ، برای صلح، پا خیزیم!

پیرامون چنین ...
...بدن، نه معنوی نیست موارشرا بیخود میماند، گروه سیاسی
شوا نند در خدمت تقویت نیروهای ترقیخواه
در مقابل دشمن باشد، در موارد بسیاری نیز مصادا کیره
ممکن است به تقویت مواضع دشمن و یا به فریب
تودهها و به دام افتادن نیروهای انقلاب
و ترقیخواه منجر گردد.

امروزه بیش از هر چیز تلاش برای تقویت مواضع
خود در جنگ است که رژیم جمهوری اسلامی و رژیم
صدام را می توانند به "مذاکره" با نیروهای
ترقیخواه مخالف خود و یا نزدیکی با پوزسیون
ترقیخواه کشورهای غربی در این راستا بظن
طبیعی هر دو طرف توجه خاصی به منطبق کردن سنا
چه در ایران و چه در عراق می کنند، چرا؟ چون در این
منطقه نیروهای اپوزیسیون هر دو رژیم به نسبت
مسلمانانه مشغول اند و از نظر موقعیت نظامی نیز این
مناطق در جنگ ایران و عراق ارزش استراتژییک
ویژه ای دارند.

هر دو رژیم در رابطه با نیروهای اپوزیسیون
طرف مقابل خیلی زود دست بکار شدند، اما در این میان
موقعیت جمهوری اسلامی کمتری بود، رژیم خمینی
منا سبات بسیار شکننده ای با برخی از نیروهای
گردد برای برقرار کردن آنها با دارنده مستحق "حزب
الدعوه" که دست پرورده خودش بود، توانست
منا سبات ادامه داده داشته باشد، حزب کمونیست
عراق و متحدین آن، که از همان آغاز نقشه های
رژیم خمینی را شناخته و خنثی کردند، همزمان با
فشارهای رژیم عراق آماج توطئه های جمهوری
اسلامی شدند.

در مقابل، رژیم عراق از همان آغاز به بسیاری
از نیروهای مخالف رژیم ایران مراجعه کرده و برای
جلب همکاری آنان روشهای و زوربزرگانه تری
را در پیش گرفت.
توطئه های هر دو رژیم علیه اپوزیسیون ترقیخواه
خود نیز به موازات هم و در طول جنگ گسترش یافت،
از جمله هر دو طرف کوشیدند تا قدرت نظامی، جبهه
مقاومت مردمی در مناطق کردنشین قلمرو خود را در
کوتاه ترین مدت تا به حد کنند، رژیم عراق حتی
فاشیت های ترکیه را نیز به همکاری در این نقشه
فراخواند، اما چون نتوانست این نقشه را عملی
سازد، تا کنیک های زیرکانه تری را نیز برای برآوردن
و یا نبودن جبهه نیروهای ترقیخواه بکار گرفت
که برهیا هوتر از همه به اصطلاح "فرمان عفو عمومی"
صدام است.

رژیم جمهوری اسلامی نیز به موازات لشکر کشی
مغول وار به کردستان، ناچار به تاکتیک های دیگر و
از جمله به آنچه که "مذاکره" با حزب دموکرات
کردستان مطرح شده می دانید.
درگیری همه این تلاشها از سوی هر دو رژیم تنها
تنها نیات ارتجاعی و ضد مردمی آنها را هر چه بیشتر
بر ملا می کند، تا آنجا که به سالها جنگ بر می گسرد
هدف هر دو رژیم از مطرح کردن روشها و تاکتیکهای
جدید در مقابل نیروهای ترقیخواه داخلی و تلاش آنها
در برقراری مناسبات دوستانه با نیروهای مخالف
رژیم متخاصم تقویت مواضع خودشان در جنگ
است، برای رژیم عراق و هم برای جمهوری اسلامی
اهمیت بسیار زیادی در رابطه با تلاش برای تابستوری

تظاهرات گردهم مردم ...

بقیه از صفحه اول
لشکرآباد با گردنهای هائی به تبادل نظر
پیرامون این مسئله ونحوه واکنش در برابر آن
برپا خاسته بودند، با شدت گرفتن اعتراضات
موسوی جزایری امام جمعه اهواز به مناسبت
لشکرآباد آمد، و بر آن بود تا با سخنرانی های
عوا مفریبانه به مانع گسترش اعتراضات گردد، اما
مردم محله لشکرآباد از حضور در جلسه سخنرانی
خودداری می نمایند، دامنه اعتراضات به درج
بالایی گریه، اجتماعات کوچک، گسترده تری
می شود تا در روز سه شنبه جمعیت بزرگی در محله
امامی اهواز گرد آمده و به سوی خیابان
نادری به حرکت در آمدند.

تظاهرات در همان آغاز در صبح روز سه شنبه
مقابله خنونت بار ارکان های سرکوب روبرو
گردید، اما مردم نیز در لاورانه پایداری کردند
و تظاهرات هر چه چنان ادامه یافته مردم به طور
همه جانبه از تظاهرات کنندگان حمایت به عمل
آوردند و هر لحظه بر تعداد کسانی که به آنها
ملحق می شدند افزوده می گردید، با سداران رژیم
درهای از گسترش این تظاهرات به سوی مردم
آتش کشیدند که در نتیجه آن عده زیادی
از تظاهرات کنندگان کشته و مجروح گردیدند، تعداد
کشته شدگان تا این تظاهرات برآورد شده است، با وجود
این مردم اهواز بهمانگونه که زحمتشان ۱۳۴۳ آن
نشان دادند، با پس نشناختند، تظاهرات کنندگان
بعد از ظهر این روز به صورت گروهی کوچکتر
در محلات مختلف شهر اهواز پراکنده شدند و تظاهرات
شبانگه تظاهرات را ادامه دادند.

در روز بعد با وجود پیش بینی های امنیتی
رژیم، تظاهرات کنندگان یکبار دیگر آغاز شدند و
بصورت پراکنده تا ساعت ها ادامه یافته رژیم
با دستگیریهای وسیع و با بکارگیری همسره
امکان تا کنیک کوشید تظاهرات را مهار کند، برای
سرکوب مردم نغزات پایدار را از دیگر شهرهای

کا مل نیروهای مترقی در کردستان ایران و کردستان
عراق و برای تغییر سمت مبارزان این نیروها، ایجاد
تفرقه و درگیری در صفوف آنها و خنثی کردن آنها
به هر قیمتی، دست بکار شدند، با روش
تسا برای پیشبرد سیاست خود به
جنگ افشا در جنبش ملی خلق کرد در کشور خود و علیه خود
بکار شدند و مقابل بر چنین فشاری در کشور دیگر و
علیه طرف مقابل خود در جنگ بیا فرایند، برای
مبارزان کردها در هر دو کشور اهمیت اساسی دارد که
هشیا ربا شدند و از زنده دهکده این رژیم های ارتجاعی
فرست چنین ما شورهای را برپا بند، بطور مشخص تر
با بدتای کید کردها، مرور از رژیم جمهوری اسلامی
مساله "مذاکره" با نیروهای ملی خلق کرد کشور ما
را پیش کشد، هدفی جز ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف
نیروهای ترقیخواه، عقب نشاندن و خنثی کردن
نیروهای ملی کرد در مجموع تقویت مواضع خود در
جنگ را دنبال نخواهد کرد، چنین نقشه هایی باید
از سوی نیروهای ملی خلق کرد قاطعانه خنثی و
نیرنگ دشمن خنثی گردد.

آیا و علت اصلی گسستن اتحاد ما زمستان
مجا هدیین و حزب دموکرات اختلاف بر سر "مذاکره سیاسی"
با رژیم است؟ این بدیهی است که علیرغم نظر سازمان
مجا هدیین صرف عدم تعهد قبلی به متاع قطعی
و همیشگی از مذاکره با رژیم نمی تواند دلیل امتناع
از مبارزه در راه سرنگونی رژیم تلقی شود، حزب
دموکرات کردستان نیز خود بی نتیجه بودن مذاکره
سیاسی با رژیم را از انعام می کند.

از سوی دیگر همین امروز حزب دموکرات کردستان
مثل مجا هدیین با رژیم در نبردها و در راه سرنگونی
آن مبارزه می کند، مواضع و اهدافی آن نیز بسته
تا زکی تغییرات فاحشی نکرده و وجود همین مواضع
و اما جها اتحاد آن با مجا هدیین تا کنون دو آورده
بود، برای این از همه آنجا رسما از سوی رهبری سازمان
مجا هدیین خلق بعنوان دلیل اختلاف وجودی با اعلام
شده یک چیز باقی می ماند: با فشاری مجا هدیین
برای مشروط کردن اتحاد بر پیشاپیش هرگونه
مذاکره ای با رژیم، و در چنین شرطی از سوی حزب
دموکرات.

در چنین کشاکشی البته روحیه بی اعتمادی متقابل
عیان است، با اینکه اگر اختلافی واقعاً بین باشد،
اگر هدف از قرارداد چنین شرطی برای اتحاد،
تضمین تداوم آینده نبرد علیه رژیم باشد،
منطقی نمی تواند و نباید در چنین شرایطی موجب
گسستن اتحاد و تضعیف علیه رژیم و توجیه تضعیف
جبهه نیروهای مترقی در برابر دشمن شود، نیروهای
ترقیخواه یقیناً می توانند داخل مشکلاتی به مراتب
بزرگتر از این قدم به قدم و تا هر اندازه ممکن
شود، راه اتحاد را هموار سازند، در چنین حالی چگونه
دو سازمان ترقیخواه و متحد در عرصه های مختلف
یکدیگر را یاری می دهند، نمی توانند این مشکل
خود را بطور دموکراتیک مورد بحث قرار دهند و میسوی
بر حل آن نمانند؟ آیا اگر ضرورت و فوریت امر اتحاد
نیروهای مردمی به درستی درک می شود، در اتحاد
پیگیری لازم وجود می داشت و اتحاد بی پایه های
دوست و اصلی خود استوار می شد، با زهم اختلاف

مجا هدیین خلق و حزب دموکرات به اینجای می کشید
با اصلا متکلی می توانست به این شکل درآید؟ خیر
علت اصلی گسستن اتحاد دو سازمان را درست در همین
جا باید جستجو کرد، مساله اصلی این است که اگر
نقش و تاثیر مبارزان زنده متحده نه نیروهای ترقیخواه
در برپایی رژیم، در زمانیکه ضرورت شناخته
مجا سبه می شد طرفین، میبایستی وساطت را در اختیار
پی می ریختند و چنان پاسی می داشتند که تنها به
چنین اختلافی گسسته نمی شد، بلکه مکان حیا
این اختلافها نیز تا مین می گردید.

اتحاد نیروهای ترقیخواه و سازمانها را استحکام
لازم برخوردار است که برشالوده هدفی مشترک
در بریکار زنی استوار گردد و امر مشترک
نیروهای ترقیخواه کشورهای مبارزه در راه سرنگونی
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به
نیروهای ملی و دموکراتیک است، با عللی که
میبایستی اتحاد مربوط نیست مخدوش و نغی شود، ایبر
مساله که به قیمت گسستن اتحاد بر پیش شمر
برای اتحاد حزب دموکرات و سازمانها مجا هدیین خلق
با فشار خود در جلسه تصمیم گیری راجع به سر نوشت
اتحاد ما بیندگان حزب دموکرات شرکت نیا بندند،
نمونه با زنی میبایستی اصول و ضرورتها اتحاد است
اتحاد دوقتی پایدار می ماند که سازمانهای متحد
مجا باشند استقلال نظر و عمل خود را در تمام زمینه های
که میبایستی اتحاد نیست، حفظ کنند و هر یک از آنها
بتوانند در حد توان و امکان و نیروی ما دی و معنوی
خود در رهبری اتحاد در تصمیم گیری واقعا سهیم
و به اجرای آن واقعا متعهد باشند.

ما پیش از این نسبت به حساسیت اوضاع کشور
هشدار داده ایم و امروز بیش از همیشه تاکید
می کنیم که سیر رویدادها مدام بر حساسیت اوضاع
و لزوم هشاری و آمادگی نیروهای ترقیخواه،
می افزاید، در چنین اوضاعی اهمیت اتحاد نیروهای
ترقیخواه برای خنثی کردن تلاشهای ارتجاعی غالب
و مغلوب و سمت دادن رویدادها، بر سود خلق کنندگان
ناشدنی است، دست زدن به اقدامات تفرقه جوینا
و دشمن سازدن بویژه در شرایط کنونی تا شیستر
منفی و بلاواسطه ای بر جنبش می گذارد.

در چند سال اخیر در طیف نیروهای ترقیخواه،
تنها اتحادهای امروزی و اتحاد سازمان فداییان
خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و اتحاد
سازمان مجا هدیین خلق ایران و حزب دموکرات
کردستان ایران بوده است، سازمان فدایی خلق
ایران (اکثریت) از گسستن اتحاد اخیر عمیقاً متأسف
است و آن را به سود رژیم و مجموعه نیروهای ارتجاعی
ایران و منطبقه رژیایی می کند.
گسترش مناسبات میان نیروهای خلقی تا سطح
اتحاد همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور تنها
شکل با سخگویی موثر به نیا زهای جنبش انقلابی
است، با تکیه بر این ضرورتها در سازمان
می توانند برای گسستگی فائق شوند و پیش از آنکه
روندهای منفی تر در مناسبات طرفین رشد کند، اتحاد
خود را احیا سازند، فداییان خلق ایران چنین
اقدامی را ضروری می دانند.

به راه افتادند، آنها در برابر زندان در حالیکه
شعراهای اعتراضی خود را تکرار می کردند، خواستار
آزادی دستگیر شدگان گردیدند.
اگر چه در میان مجموعه حرکات اعتراضی د
هفته های اخیر، تظاهرات مردم علیه جنگ و هم چنین
موارد مقاومت در برابر اوباش حکومتی برجسته بود
اما مردم از هر فرصت دیگری نیز بهره می گرفتند
انزجار و نفرت خود را از رژیم ضد مردمی خمینی
سیاستهای آن را بر زمین می انداختند، تظاهرات
بوده که در خیابان کارگرمالی تهران برپا شد
اجتماع عده ای از مردم در برابر ساختمان شرکت
نظهور در تهران برآید و با تفت کارت همیه پرست
و دستمال کاغذی زمینه برپائی این تظاهرات گردید
جمعیت حاضر در صحنه اعتراض خود را بسا دادن
شعراهای علیه رژیم ابراز داشتند، آنها با مسدود
ساختن خیابان کارگر تنها می منطقه را از میدان
انقلاب تا بلوار کما و روز در اختیار گرفتند، رژیم
بلافاصله با اعزام واحدهای گاردشهربانی کوشید
مردم را متفرق نماید، اما به رغم ضرب و شتم
تظاهرات کنندگان توسط گاردشهربانی، تظاهرات تا
ساعتها ادامه یافت، در این تظاهرات نیز عده ای
را دستگیر و روانه زندان ها گردیدند.

گسترش مبارزه زحمتکشان علیه رژیم خمینی ت
تنها رژیم که ضد انقلاب مغلوب راهم به دست وی
انداخته است، رسانه های خبری امپریالیستی که با
حساسیت خاصی حوادث ایران را تعقیب می کنند، نقش
ویژه ای در این میان ایفا می نمایند، آنها برای
تحت الشعاع قراردادن مبارزات مردم، اخیراً
بوق و کرنا حول تبلیغات محمکنا پور بخیا رپی رامون
ایجاد ترا فیک، در تهران جنجال برپا کرده اند،
در برابر روشیای نیروهای انقلابی و با افزایش
تبلیغات افشا گرانه امکان بهره گیری با ندها
مدانقلابی هر چه کمتر می شود.
مردم میبایست در راستای مال خویش مبارزه را داشته و
کار رژیم جمهوری اسلامی در جلوگیری از گسترش آن دشوار تر می شود

مبارزات کارگران؛ مسائل و وظایف

مباحثه با رفیق ما زیار کاکوان عضو مشاور هیات سیاسی و مسئول شعبه کارگری کمیته مرکزی سازمان

سؤال - بنظر شما مهمترین مختصات جنبش کارگری ایران در مرحله کنونی چیست؟

جواب: با درود به طبقه کارگر و زنده و بیدار میهنمان که در سنگر مقدم بیگانه سرنویشت سا زملخ، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی قرار دارد، و شاد دباش جشن اول ماه مه با همزمختگان شریف و مبارز میهن، جنبش کارگری میهنمان اکنون پیشروترین بخش جنبش توده‌ای است. این موقعیت، صرف نظر از قدرت کمی فزاینده کارگران، بیش از هر چیز محصول تجارب پروریا ریاضت آزما مبارزات چندساله اخیر طبقه کارگر و همچنین تا تیرا نگارنایدیر نقش سازمان ما و حزب توده ایران در اعطای این مبارزه است. کارگران ما اکنون دیگر کارگران قابل ازال ۵۷ نیستند، آنها همانند دیگر کارگران قابل تجربه یک انقلاب عظیم را با تمام بغرنجی‌ها و فراز و فرودهای آن با خود درآوردند، مفا برای اینکه آنها محکم تر از همه اقشار ربا انقلاب پیوند داشته، عمیق تر از همه نیروها از تجارب انقلاب آموخته و پیگیر تر از همه طبقات برای تحقق آماجهای انقلاب

جنبش کارگری نیرومندترین بخش جنبش توده ایست. قدرت این جنبش را می توان در جنبش ضد جنگ، در جنبش قانون کار، در اعتراضات پیاپی و روبه گسترش، در مبارزه علیه با زس دا در کجا زانکت ملی شده، در مبارزه علیه کلان تجار، زمین خواران شهری و حایمان حکومت آنرا، از طریق تعاونیهای مصرف و مسکن کارگری و در مبارزه علیه سیاست اختناق و سرکوب حاکم برجاس مع، به وضوح دید. جنبش ضد جنگ در میان کارگران، بویژه در ما ههای اخیر به حسی پیا پیا گسترش یافته و این یکسانی از ویژگیهای بارز جنبش کارگری میهن ما است.

جنبش قانون کار طی سالهای اخیر، علیرغم همه توطئه های رژیم هیچگاه فروکش نگذره. همچنین روح مطالبات صنفی کارگران را تشکیل می دهد، اما آنچه که اکنون بدان افا نه شده، افزایش چشمگیر روز افزون و اعتمادی و انزجار توده های کارگری نسبت به رژیم حاکم است. رژیم نیز با حساسیت و اضطراب، نظر به گسترش شتاب گیری این روند است. رژیم خمینی در برابر مطالبات و حقوق صنفی سیاسی کارگران، ابتدا از بی اعتنائی به خواسته ها شروع کرد و به سرکوب کارگران رسید. کارگران نیز که از طومار رسوبی و مراجعه به مقامات شروع کرده بودند بتدریج به اعتقاد رسیدند. یکی از مهم ترین ویژگیهای این مرحله از مبارزه این است که اکنون ما شاهد روی آوردن لایه های هر چه وسیع تتری از توده های کارگری به شکل قاطع تر و موثر تر مبارزه، بویژه اعتصاب، هستیم. این روند به پیچیده منحصربه و احدهای بزرگ صنعتی نیست، بلکه کارگران رشته های دیگر نظیر و احدهای خدماتی، ساختمان سازی، صنوف و حتی بخش های کارگران کشاورزی را نیز در بر می گیرد. اما صلاح اعتنا با بیش از همه توسط کارگران صنعتی بکار گرفته می شود.

مبارزات اعتراضی کارگران از کم کاری گرفته تا قطع کار (اعتصاب) مبارزه ای است پر دانه منسه که هر چه بیشتر می گذرد، در نظام اقتصاد حاکم اختلالاتی جدی ترو میبک تروجومی آورد. جنبش پیشی نعمت زاده مدیرکل توانیر اعتراف کرد که: "اکنون ما با یک اعتصاب سراسری اعلام نشده به نام کم کاری مواجه هستیم که توانیر را به حداقل میزان آن کاهش می دهد و تمام زمان بندی های برنام ما را بهم می زند".

رژیم خمینی تلاش می کند تا با سازماندهی و تمرکز ارگانهای جاسوسی و سرکوب در محیط های کارگری، با منع شکل گیری و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری شود. اما تجربه مبارزات سالها اخیر به وضوح نشان داده است که این تشبثات همانا، شمشیر بر سرک آژودن است.

ایستادگی قاطعانه کارگران در برابر سرکوب مسلحانه و با زده شدن و زندان و شکنجه و با فشاری کارگران بر خواسته های عادلانه خود، نشان تسلیم ناپذیری آنان در برابر منطبق جود است. یکی دیگر از ویژگیهای این مرحله از مبارزه، اعتلای چشمگیر روحیه همبستگی در میان صفوف کارگران است. با رزق ترین نمونه این همبستگی را در بارز تازاب و سیمی که اعتصاب بزرگ دواب آهن در کارخانجات مختلف داشت، دیدیم. بسیاری از واحدهای بزرگ و کوچک از خیرها و شعارهای همبستگی و پشتیبانی از اعتصاب کارگران پر شده بود. شعار نویسی و پخش اعلامیه در اعتراضات و برآ و تفریب نسبت به حاکمیت در یک چنین مقیاس گسترده ای، اساسا در سالها اخیر بی سابقه بود. اعلام همبستگی پر شور کارگران واحدهای ماشین سازی تبریز، ایران ناسیونال، نفت تهران، نفت اسفهان، شرکت واحد، راه آهن

اسفهان، گانا دا در ای و دهها واحد دیگر که ممکن بود حتی به درجه اعتصاب همبستگی نیز فراروید، خود نشان نه ایست از فراهم شدن زمینه های اولیه برای همبستگی فعلی و گسترده تروچه بسا اعتما با ت رشته ای، منطقه ای و سراسری آینده.

همچنین شرایط ناشی از جنگ، بحران اقتصادی و خفان حاکم بر کشور وضعیتی را فراهم آورده است که در آن حتی خواسته ها و شعارهای صرفا اقتصادی کارگران و زحمتگاران نیز به سرعت خلاصت سیاسی پیدا می کند و این یکی دیگر از مختصات جنبش کارگری ما در لحظه کنونی است.

یکی دیگر از ویژگیهای مهم مرحله کنونی جنبش کارگری، روند چشمگیر منزوی و طرد شدن نیروها و محافل وابسته به حکومت (مثل انجمنهای اسلامی ...) در میان کارگران است. این روند را آشکارا اعتنا با یک ساله اخیر کارگران بطور فزاینده ای شده دیده است. تا حدی که کارگران علاوه بر طرد عنا صروا بسته به انجمن های اسلامی، خواستار انحلال خود این نهاد نیز می شوند. سیاست استکبری حکومت نه تنها با عت تقابل و دشمنی نهاد های حزبی وابسته به حاکمیت مثل انجمن اسلامی مابردم گزیده بلکه نهاد های صنفی دولتی ای مثل خانه کارگران نیز منزوی و مطرودمی سازد. بالاخره مرحله کنونی جنبش کارگری ما یک ویژگی قابل تا کید دیگر نیز دارد که غفلت از آن می تواند ضریات جدی به گسترش و تا کم مل این مبارزه بزند و آن خلاصت خود بخودی با رزمیا رزات کارگری و پراکنندگی و بی سازمانی چشمگیر آن است. این، بزرگترین ضعف جنبش کارگری ما در مرحله کنونی است. رهبری اعتما با و مبارزات اعتراضی دیگر، به پیچیده متناسب با نیرو عینی کارگران حاضر در صحنه نیست. این ساله، حساسیت و اهمیت نقش عنصر آگاه و سازمانگرا در وضعیت کنونی، مفا عت می سازد. تشخیص و طرح شعار مناسب لحظه، تعیین زمان مقتضی طرح آن، تشخیص زمان پیروزی و عقب نشینی و چگونگی حفظ نیرو در برابر برضریات و پورشهای پلیسی، و بطور خلاصه هر تلفیق مبارزه صنفی و علنی در شرایط سربا زخانه ای حاکم بسر کارخانجات، مساله ای است که این رهبری را فقدان رهبری مبرج، خود اتکندی حرکت را استمرار داده و پراکنندگی نیرو را شدید می کند. ارگانهای سرکوب رژیم خمینی، تنها با استفاده از تجهیزات ضعف رهبری و سازمانی حرکات اعتراضی است که گاه موفق می شوند در جریان اعتصابات و یا حتی پس از پیروزی آن، ضریات متقابل بر صفوف کارگران وارد و رنده ای از فعالین را نشانا سازی کرده و با زده شدن یا اخراج کنند.

سؤال - در شرایط خفان با رکنونی جنبش توده ای کارگران را چگونه باید سازمان داد. وظایف عاجل کارگران پیشرو در این لحظه چیست؟

جواب: همانطور که اشاره کردیم، جنبش کارگری ما علیرغم همه نقاط قوتی که دارد در عین حال از پراکنندگی صفوف خود و ضعف رهبری سازمانی رنج می برد. غلبه بر این ضعف مهمترین وظیفه پیشروان کارگری است. وظیفه مبرم و شعار اصلی ما در این باره ایجاد سازمانهای صنفی مستقل است. ما در شرایط نبود و یا ضعف و انفعال شکل های صنفی، یعنی در شرایطی که رهبری مبارزات توده ای کارگران بطور علنی امکان پذیر نیست، تداوم مبارزات صنفی پیا پیا به ناچار با دید بطور صنفی و از طریق هسته های صنفی مرکب از فعالین کارگری پیشرو انجام می گیرد. به عبارتی دیگر شرایط خفان با ریلیسی حاکم تشکیل هسته های صنفی فعالیت کارگری را به ما به حلقه اصلی سازماندهی و هدایت جنبش کارگری در دستور کار پیشروان طبقه کارگر در محیط های کار قرار می دهد. هسته صنفی فعالین کارگری یک واحد، تا تشکیل یک شکل صنفی مستقل و علنی و پایداری در آن واحد، ضرورت وجودی اش را حفظ می کند.

وظیفه عاجل کارگران پیشرو در لحظه کنونی در درجه اول سازماندهی این هسته ها به مثابه یک شکل مرکزی صنفی کننده و در عین حال سرکوت در شکل های صنفی علنی و رسمی برای افشای ضوابط ارتجاعی حاکم بر آنها و طرد عنا صروا زشکار و مرتجع از رهبری آن و متحول کردن آنها به یک شکل صنفی مستقل یعنی متکی به اراده کارگران است.

هسته صنفی فعالین کارگری در این مبارزه ضمن با سخوبی به حوا بیجاری، زمینه ساز ایجاد یک شکل صنفی مستقل علنی است. پیشروان کارگری با پیدا زهر تا نسی برای ایجاد و احیا ی شکل های صنفی مستقل استفاده کنند. از انتخاب نما بنده برای طرح طبقه بندی مشاغل و یا طرح بهره وری گرفته تا ایجاد

کمیته های ورزشی، از صندوق مخفی کمک به کارگران اخراج شده و صندوق مخفی حمایت از کارگران زندانی شده گرفته تا صندوق مخفی اعصاب و متحول کردن صندوقها و کمیته های که ظرفیت ایفای نقشه های موثرتری در هدایت مبارزات صنفی دارند مبارزات جاری را رهبری نموده و راه ایجاد شکل های توده ای مستقل را هموار سازند. چه بسا این با آن کمیته های هیات نما بندگی، این بیان صندوق مخفی با بهای سندیگای آینده گردنند. صندوق نیز خود نوعی شکل است. اما به ما در درجه که مخفی است، محدود نیست. هسته مخفی باید ظرفیت این هیاتها، کمیته ها و صندوقها را در نظر بگیرد و از آن به مثابه اهرمی برای سازماندهی مبارزات جاری و آتی استفاده کند. بدیهی است که این صندوقها و کمیته ها در آغاز باید حتما مخفی باشند. با به پای گسترش و اوج گیری جنبش البته می توانند فزاینده تر شوند. بعدها، قطعا در ادامه کار خود رسالت شان را انجام داده و جای خود را به سندیگا (پیشورا) خواهند داد.

اما نیا هسته مخفی کارگری به مثابه تشکیلات رهبری کننده همه اشکال مبارزات سندیگایی در شرایط کار مخفی یک نقش محوری و مرکزی است. هسته مخفی می تواند با میدومها هنگی و تمرکز همه هیاتها، کمیته ها و صندوقها، کارگری باشد. این هنر خود هسته مخفی است که بتواند اولاد با این هیاتها و کمیته ها و صندوقها پیوند و ارتباط محکم داشته باشد. تا نیا - با نشان دادن قابلیت رهبری خود، درایت و تحرک انقلابی اش در اتخاذ به موقع شعارها به مثابه یک مرکز رهبری کننده واقعی، این امکان را به واقعیت تبدیل کند. و با تشخیص و تا کید روی اصل ترین روندها و بکارگیری همه اشکال و امکانات دیگر، یک محور بسج کننده و رهبری کننده و احدا سازمان دهد. حال اگر این محور تحت هر نام و عنوانی شکل گیرد، این امر مساله ای ثانوی است.

هسته های مخفی همچنین می توانند با استفاده از فضا و روحیه همدردی و همبستگی در صفوف کارگران بویژه نسبت به کارگران اعتما بی و یا با زده شدن، کمیته های همبستگی یا اعتما بیون واحدهای دیگر را سازمان دهند. آنها می توانند کمیته ای برای انتقال و انتشار سریع اخبار مربوط خودشان را سازمان دهند و بسا با یکدیگر مرتبط گردند و زمینه را برای هما هنگی اعتصابات و سازماندهی اعتصابات رشته ای و منطقه ای فراهم سازند. در هر صورت امکانا متشوعی برای رهبری جنبش صنفی وجود دارد.

اکنون در برابر پیشروان جنبش صنفی کارگری وظیفه ای خطیر تر و عاجل تر از سازماندهی هسته های صنفی و تلفیق آن با مبارزات علنی، برای غلبه بر پراکنندگی و بیان دادن به سیر خود بخودی مبارزات جاری وجود ندارد.

سؤال - نظر شما در مورد کارگران شوراهای اسلامی کارخانجات (خانه کارگر) چیست؟ آیا می توان این کارکنان را یک سازمان صنفی کارگری دانست؟ موضع کارگران پیشرو در قبال اینگونه تشکیلات چه باید باشد؟

جواب: خانه کارگر، کانونی است متشکل از دو بخش شوراهای انجمنهای اسلامی، بخش یا واحدهای آن واحدی است صنفی دولتی و بخش انجمنهای آن واحدی است حزبی و به پیچیده خلاصت صنفی ندارد. در مجموع این کارکنان نیز نفوذ حزب حاکم، حزب مهوری اسلامی است. از آنجا که بخش واحدها در این کانون به پشت سر از انجمن هاست، در مجموع می توان این کارکنان را یک کانون صنفی - دولتی به حساب آورد. بخش انجمنهای اسلامی آن کاسلا ارتجاعی بوده و وظیفه عمده اش تفرقه افکنی در درون صفوف کارگران، شناسایی فعالین کارگری و همچنین اعتما بکنی است. رهبری خانه کارگر علیرغم سهم قابل ملاحظه ای که با برخورداری از حمایت شوراهای کارگری در مبارزه علیه پیش نویس قانون کار توکل داشته، با بیای خیا نت رهبران جمهوری اسلامی به انقلاب بتدریج به مواضع محافظه کارانه و راست وانه در غلطید. آخرین موضع گیری خانه کارگر "در قبال تصویب قانون شوراهای اسلامی کار" و بخصوص طرح با مصلاح واکذاری کارخانجات به کارگران، نمونه بارزی است از سازشکاری کامل مسئولین این کانون در مقابل توطئه های فریبکارانه رژیم علیه طبقه کارگر و دستاوردهای انقلاب، گردن نهادن به قانون ارتجاعی و فدا کردن شوراهای اسلامی کاسو دل خوش کردن و سرگرم کردن به چند چوچون آیین نامه اجرائی این قانون و همچنین صدور قطعنامه در تائید عوا مغربانه طرح با مصلاح واکذاری کارخانجات، نمونه های بارزی است از سیاست ارتجاعی خانه کارگر. در شرایطی که مبارزات کار توکل دار، خانه بعنوان یک عوا مغربانی تازه برای بازگرداندن بقیه در صفحه ۴

مبارزات کارگران؛ مسائل و وظایف بقیه از صفحه ۳

واحدهای دولتی به سرمایه داران و منحرف کمسردن مبارزات کارگری، محکوم کرده اند، مسئولین خانه کارگر در قطعنامه کذابی شان این طرح را بمشابه یک انقلاب نوین تبلیغ کردند.

البته با وجود داغی که علیه غمگینان تسلط سیاست رتجائی بر خانه کارگر بویژه بر خط مٹی مسئولین خانه کارگر مرکزی، برخی از شعب و کارکنان شورای مرتبط با آن هنوز این ظرفیت را دارند که با تقویت پیوندهای خود با شورا های کارگری و کارگران، حساب خود را تا حدی از انجمنهای اسلامی و حزب جدا کنند و مجری و دنباله روی صرف خانه کارگر مرکزی نیز نباشند. اما انجمنهای اسلامی، همانطور که قبلاً نیز گفتیم، بمشابه ارگانهای خانه کارگری، روز بروز بیشتر و بیشتر از جانب تسوده کارگران منزوی و مطرود می شوند. در برخی از واحدها، کارگران رسماً خواستار انحلال آنها شده اند.

واحد شورا های خانه کارگر در دوره بیشتر در برابر خود ندارد، با ادا مهر و نرسد سرپرستی نسبت به حزب جمهوری اسلامی، همنوایی و همکفاری با انجمنهای اسلامی و تبدیل شدن به یک ارگان فاقد کارگری که در آن صورت عاقبتی جز عاقبت انجمنهای اسلامی نصیبش نخواهد بود. اما تنها مسئله شورا های کارگری و گام برداشتن در جهت استقلال نسبی خود از دولت و حزب جمهوری اسلامی، ما هنوز این مبارزه را تمام شده نمی دانیم. چه باور کنیم گسترش و اوج گیری مبارزات جاری کارگری، حتی به تصفیه رهبری کنونی بیا نجام مدویا اساساً موجب انحلال این کارتون شود. وظیفه کارگران مبارز در این شرایط، سازماندهی فشار از پایین و فشاری سیاست رتجائی حاکم بر آن و تصفیه و بگریختن مسرا ز شکار آن است، نه تحریم و انحلال آن.

سؤال - اخیراً از سوی نخست وزیر و نمایندگان محرم نامه ای برای کلیه فرمانداران و ریه ارسال شده که به موجب آن برای مقابله با اعتصابات کارگری فرماندهان و روسای پنج ارگان سپاه، کمیته ارتش، فرمانداری و نماینده ویژه وزارت کار باید بلافاصله کمیته مشترکی برای سرکوب اعتصاب تشکیل دهند. به نظر شما علت این اقدامات چیست؟
جواب: همانطور که قبلاً گفتیم سیاست رژیم در برابر مطالبات کارگران در آغاز زمبستی بر روی اعتنایی بود. بعدها موزرانه تلاش کرد به بیجا نتجک با سطح بهر مطالبات ای را مسکوت گذارد. اما بتدریج در یافت که مساله کارگران جدی تر از آن است که بتواند آنرا ایوانی کنونی کرد چون مطالبات مسالمت آمیز بتدریج خصلت اعتراضی آشکار بخود گرفت و اعتصاب حربه کارگران گردید. رژیم در مقابل آن حربه عوام فریبی ای را بی اثر دید و به سرکوب گستاخانه و خشن اعتراضات کارگری متوسل شد. بنحوبت که اعتصاب با یک سال و نیم اخیر بویژه اعتصابات واحدهای بزرگ صنعتی بدون استثناء با مداغله نیروهای مسلح و سرکوبگر رژیم مواجه شد. اما این اعتصابات علیه غمگینان و سرکوبگر رژیم مواجه شد. اما این اعتصابات علیه غمگینان و سرکوبگر رژیم مواجه شد. اما این اعتصابات علیه غمگینان و سرکوبگر رژیم مواجه شد. اما این اعتصابات علیه غمگینان و سرکوبگر رژیم مواجه شد.

کارخانجات تشکیل داده که در آنها افرادی را در زمینه شناسایی فعالین کارگری و چگونگی سرکوب اعتراضات کارگران آموزش دهند. در بسیاری از واحدها این نام های انضباطی جدیدی را که ناظر بر هر چه پلیسی تر کردن مقررات آنها و در واقع تسهیل یک رشته ضوابط سر باز زدن های در واحدها است، تنظیم کرده اند. در برخی از واحدهای بزرگ صنعتی، برای کنترل کارگران، گشتی به نام "گشت انتظامات" بوجود آورده اند. در بسیاری از واحدها، مکالمات تلفنی کارگران با خارج از کارخانه را، با همدستی انجمنهای اسلامی مخابرات استراق سمع می کنند. علاوه بر همه اینها، اخیراً وزارت کار به کمک برخی مدیران، اقدام به تهیه "لیست های سیاه" از اسامی کارگران مبارز خارجی نمود و به مراکز کار ریایی و کارگزینی ها فرستاده است تا مانع استخدام آنها در کارخانجات دیگر شود.

بخشنا به نخست وزیر از جمله تازه ترین و آخرین تشبیهات رژیم جمهوری اسلامی مهابت و سرکوب جنبش اوج گیرنده طبقه کارگران است. اینهمه بخشنا به دستور العمل سری و محرمانه، اینهمه ارگان سازی و جاسوس پروری برای چیست؟ روشن است، اعتصابات گسترده کارگری در مدتها و احسد کوچک و بزرگ سرکوشور، اعتصاب چندین هزار کارگر کشت و صنعت های مغان و کارون ۴۵۰۰ کارگر کانتادار و ۴۰۰۰ کارگر خانیات، ۱۵ هزار کارگر ذوب آهن و دهها هزار کارگر دیگر واحدها، در فاصله یک سال و نیم اخیر، بعد از اعتصاب نفتگران جنوب در سال ۱۳۲۵، اعتصابات نیمه دوم سال ۵۷، در تاریخ جنبش کارگری ایران بی سابقه است. این اعتصابات بی دردی در واحدها ورشته های مختلف، بویژه اعتصاب عظیم ذوب آهن، رژیم در مانده و مستاصل کرده است.

رژیم خمینی هتیم روز از ضربات هول انگیز اعتصاب ۱۵ هزار نفری ذوب آهن کمر راست نکرده است. اینکجه جمهوری اسلامی حاضر نمی شود در قانون شورا های اسلامی اش تشکیل شورا در واحدهای بزرگ دولتی و صنایع کلیدی مثل نفت و ذوب آهن را به رسمیت بشناسد به دلایل هراس از تشکل کارگران پیشروی صنایع بزرگ است. وقتی ۱۵ هزار کارگر بیدون تشکیلات اینچنین عرصه را بر او تنگ می کنند، چگونه می توان بدنه ۴۰ هزار کارگر ذوب آهن و ۴۵ هزار کارگر نفتکش و هزاران کارگر دیگر در واحدهای بزرگ و حواس حق تشکل بدهد؟ رژیم و این خوف و هراس را با هیچ شعبه و تشهیدی نمی تواند انچاره کند. نه با ممنوعیت حق تشکل کارگران، نه با اخراج سازمان دهندگان از اعتصابات، نه با بخشنامه های محرمانه نخست وزیر، نه با سازماندهی ارگانهای سرکوبگر و کلاهای تریبیت جاسوس و اعتصاب شکن، نه با "گشت انتظامات" در واحدها و کنترل تلفن کارخانجات، نه با سرکوبنده سازی های وزارت اطلاعات و نه با بازداشت، شکنجه و عذاب رهبران جنبش کارگری. وظیفه همه نیروهای انقلابی و پیشرو بویژه کارگران مبارز و آگاه است که این استنادخیات رژیم را نیز در مقیاس هر چه وسیع تر برای توده های وسیع کارگران و زحمتکشان افشاء کنند و انرا بمشابه سند و شکستگی رژیم خمینی و در مانده و سرکوبگر جنبش نیرومندی کارگر گسری رسوا سازند.

معدتهاست که به این نتیجه رسیده است که تشنه سرکوب اعتصابات کارگری نیست، بلکه با سیدبا ایجا متفرقه و شگاف در صفوف کارگران، شناسایی فعالین و رهبران، نفوذ در میان فعالین کارگری و منحرف کردن حرکت کارگران و پیا پیا داشت فعالین در مراحل مقدماتی اعتصاب، بزم خود علاج واقعاً راقبل از وقوع بکنند.

بخشنا به محرمانه ای که از آن صحبت کردید دستور العملی است مبتنی بر آخرین جمع بندی ارگانهای اطلاعاتی و سرکوبگر رژیم از شیوه ها و اشکال متنوع تر کنترل و سرکوب اعتصابات کارگری. بخشنا به محرمانه از فرمانداری و سپاه و کمیته گرفته تا ارتش جنبش اوج گیرنده کارگری است. ببینید، این عجز و مردانگی نیست که پنج ارگان کنترل و سرکوب از فرمانداری و سپاه و کمیته گرفته تا ارتش تجهیز و متمرکز شوند تا اعتصاب یک کارخانه را درهم بشکنند؟ بگذریم از این که به چه نتیجه خفت باری می رسند. بخشنا به محرمانه فوق الذکر اعتصابات را به سه دسته اضطراری، مهم و عادی تقسیم بندی کرده است و برای مهابت و سرکوب آن به ما موریین خود توصیه کرده است که در لباس میدل در میان جمعیت اعتصاب بگران حرکت کنند، جهت خواستها و شعارها را منجر فاسد زند، در بدین جمعیت، رهبران را شناسایی کنند و به موقع آنها را در بیرون از محیط کارخانه و در اوج زخم توده کارگران به صورت فردی و پنهانی بازداشت نمایند. رژیم خمینی فکری کند که با یک "گروهک" معترض و بیروست که با فرستادن چند نفر از مصلح نفوذی در میان آنها بزغم خود باغ شده است را ختم کند. در تصقیب همین فکر توطئه گرانده است که می گویند میان کارگران زندانی با شکنجه و ارباب، عده ای ثواب دست چین و تریبیت کنند و آنها را آزاد کرده بر سر کار آورده و در میان کارگران بفرستند. علاوه بر آن مدت ها است که مساله آموزش شیوه های اعتصاب شکنی و نفوذ در صفوف فعالین کارگری بمنوا ن یکی از اشکال مهم مواجهه رژیم با حرکات اعتراضی کارگری در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته است. سپاه با ساداران از مدت ها قبل برای فعالین انجمنهای اسلامی و اعضای با مصلح سبج کارگری سپاه در مناطق مختلف کارگری تهران کلاهای ویژه ای دا بر کرده است که در آن ما موریین اطلاعاتی سپاه و عتار مسرا و کی با زمانه از آن زمان کارگران ایران (وابسته به حزب رستا خیز) به این افراد آموزشهای ویژه ای در مورد نحوه شناسایی کارگران مبارز و تشکلهای مخفی کارگران و چگونگی مقابله با اعتصاب کارگری را می دهند. این مشایبه همان الگویی است که ساواک در زمان شاه (بخصوص در سالهای دهه ۵۰) از طریق ارگانهای با مصلح کارگری حزب رستا خیز و مشخصاً توسط سازمان کارگران ایران، پیش می برد. همچنین در وزارت صنایع، وزارت کار، و احدا کارگری سپاه با ساداران و وزارت اطلاعات بخشهایی مشخصاً برای شناسایی، پروتکله سازی و مقابله با کارگران پیشرو و در هم کوبیدن اعتصابات کارگری وجود دارد. سپاه با ساداران اکنون نامهای متعددی برای مدیران واحدهای مختلف تهران و قزوین و جاهه ساوه فرستاده است که در آن از مدیران می خواهد اسامی کارگران محبوب و مورد احترام توده کارگران را بدهند و حرکات آنها را نیز زیر نظر داشته باشند.

وزارت کار رکلایهی در کار رگزینی های برخی اسما از

"مرغ ما هم مونتاز است!" بقیه از صفحه اول

و وابستگی بی سابقه ای به امپریالیسم کثاند است. نگاه به آمارهای موجود، بدون هرگونه تفسیری خودگویی روندا قتما دکشور، طی این سالهاست. واردات ایران به گفته ها شمسی رفسنجانی (در نماز جمعه ۱۶ شهریور ۶۳) به رقم ۲۴ میلیارد دلار (رسیده است که ۹۰٪ آن از کشورهای امپریالیستی ویا در پیوند با امپریالیستهاست که آلمان، ژاپن، ترکیه و انگلیس به ترتیب در صدر آن هستند. صادرات از چیزایران هم طی این مدت به حداقل خود در سال ۶۲ به میزان تقریب یک ششم (۱/۶) رسیده است که آقای بهزاد نبوی در برابر معترضین شنهای می گوید این صادراتی مقامی در اقتصاد ایران نمی توانست داشته باشد. مقایسه ای بین ترکیب کالاهای وارداتی و صادراتی در سالهای ۵۶ و ۶۱ از روی آمارهای بانک مرکزی نشان می دهد که طی این مدت در صد کالاهای سرمایه ای در کل و اروات از ۲۷/۵ به ۱۹/۵ کاهش یافته است. و در برابر در صد کالاهای مصرفی وارده از ۱۸/۴ به ۲۲/۶ و نیز مواد اولیه و کالاهای واسطه ای از ۵۴/۱ به ۵۷/۶ افزایش یافته است. مهم آنکه از کالاهای سرمایه ای وارده سهم صنعت نسبت به بخشهای کشاورزی و خدمات بیشترین کاهش را داشته و از ۱۷/۶ به ۱۰ رسیده است. این موضوع نه فقط به معنای سرمایه گذاری کمتر در صنایع اساسی، بلکه بمعنای عدم تعویض و تانیم کالاهای مستهلک شده نیز هست. نکته دیگر آنکه در واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای بیشتری افزایش مربوط به سهم کشاورزی است که از ۱/۸ به دو برابر افزایش یافته است. در

نعمت از زمین و آسمان به سرتان می بارود بر ناممیزی که مفهومی دارد؟! با این وصف معلوم نیست که چگونه نبوی ادعا می کند که "طی دورنما مسه ۵ ساله اول ما با بیدموقی شومیکه بتدریج وابستگی خود را به نفت گاه می دهیم و تولیدات صنعتی جا یگزین نفت در زمینه صادرات شوند". نبوی در مرکز برنامهاش از خرید تکنولوژی غرب در قبال فروش نفت صحبت می کند و برای اینکه خود را واقع بین نشان دهد، درباره لای و کزاقهای بینی برانجام پیشبیده ترین کارهای نفتی بدون کمک کارشناسان خارجی اظهار می دارد "ما از این ماحبه ها در اید و بوی تلوویزیون زیاد می بینیم که ما بدون کمک نفتی یک نفر خارجی صنعت خود را فلان می کنیم. دروغ است!" اما او می گوید آنچه از خرید تکنولوژی غرب در نظر دارد هیچگاه گامی فراتر از آن اقتصاد وابسته ای نخواهد بود که نمونه ای چون طرف اقتصاد ما مورد علاقه آقای نبوی "ترکیه" ببدان دست یافته است. او خود اذعان دارد که "فروش دانش فنی کامیون، بیخال، بولدوزر، واگون و از این قبیل کالاهای الان، دیگر ارزش برای کشورهای دارنده آن ندارد". و امپریالیستها در اختیار کشورهای زیر سلطه شان می گذارند. با این حال، این تمام برنامها است که آقای وزیر بمنوا بر برنامه دولت جمهوری اسلامی برای پایه ریزی در اقتصاد صنعتی مستقل و برهان شدن از وابستگی به صادرات نفت اراهه می دهد. در حقیقت این برنامه و تلاشهای اقتصادی انجام یافته در سالهای اخیر نشان می دهد که چگونه رژیم جمهوری اسلامی با خیا ت به انقلاب در راه سرمایه داری وابسته و احمای کامل مواضع انحصارات خارجی پیش می رود.

تلاشهای مذبوحانه سلطنت طلبان

اخیرا شاه پرستان فراری، در ایالات مختلف آمریکا و در کشورهای اروپایی برای سرهم بندی "شوراهای مشروطه سلطنتی" در این کشورها تقصلا می کنند. آنها تلاش دارند پس از تشکیل شورا های مشورتی سلطنتی در کشورهای امپریالیستی "شورای عالی مشورتی" و از مجموع آنها با مصلحت "شورای مشروطه سلطنتی" تشکیل دهند و هیات اجرایی آن را بعنوان ارگان مشورتی پسر شاه منصوب بگزینند. نیم پهلوی و امینی آمریکا یکی که مجری اصلی این طرح هستند، هدف این "شوراهای سیاسی خسته" را تا مین مشارکت عامه ایرانیان در "نجات وطن" و برقراری "نظام مشروطه سلطنتی" حاکمی زنند. سرهم بندی "شوراهای مشروطه سلطنتی" توسط جریان شاه پرست با مصلحت "جبهه نجات ایران" به رهبری علی امینی شاهزاده قاجار و سیاست باز دست پرورده امپریالیسم انجام می گیرد. علی امینی عنصر سرسپرده و مورد اعتماد آمریکا، در آغاز دهه ۴۰ نخست وزیر شاه خائن بودوی آزوسی کنسولی ما موریت یافته بود که اصلاحاتی را که به وسیله امپریالیسم آمریکا طراحی شده بود بعدا شاه اجری آن را بعهده گرفت و نام "انقلاب سفید" بر آن نهاد در ایران انجام دهد. اکنون او به همراه شاهین فاطمی دبیر این جبهه ضد انقلابی و داریوش همایون وزیر اطلاعات شاه خائن دستورات تازه و آشکنگن را در چارچوب "جبهه نجات ایران" به اجرا می گذارد و از حمایت کامل امپریالیسم برخوردارند. بنا برینستد انتشار یافته در "کیهان لندن" (۱۳/۱۰/۶۳)، آمریکا تاکنون یک میلیون رددالدر "جبهه نجات بخش ایران و جنبش آزاد ایران" سرمایه گذاری کرده است. اختصاص چنین مبلغ هنگفتی از طرف آمریکا برای تقویت فدا انقلابیون سلطنت طلب به تنها یکی کافی است تا انقلابیون ایران خطر او که امپریالیسم توسط این دسته های سیا و متوجه کشوری کندهایش از پیش مورد توجه قرار دهند. تشدید تلاشهای شاه پرستان برای تجدید سازمان نیروهای خود در دوره اخیر تمام دنی نیست.

موج اعتراض و اعتصاب مردم علیه جنگ و علیه رژیم، بویژه از سال ۶۳ به این طرف دایما گسترش یافته و هر روز آشکار تر و توده ای ترمی شود. مردم که عمیقاً از رژیم جمهوری اسلامی متشرفند و موقعیت مناسبی که بدست می آورند خشم و اعتراض خود را علنا ابراز می کنند. از آغاز سال ۶۳ تاکنون چندین تظاهرات توده ای و صدها اعتصاب بزرگ و کوچک در شهرهای مختلف کشور علیه رژیم و سیاستهای آن بر پا شده است. هر روز هم که می گذرد این اعتراضها و اعتصابات با رزوم گسترش می یابند. اعتراض و مبارزه توده ها اختلافات و تضادهای میان دسته بندیهای مختلف درون حکومت را که بر پایه منافع شخصی و گروهی قرار دارد مدام تشدید می کنند. مجموعه این عوامل باعث شده است که رژیم جمهوری اسلامی هر روز ضعیف تر و متزلزل تر شود. سلطنت طلبان که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و به خیال خود برقراری مجدد رژیم ارتجاعی سلطنتی هستند، از بحران گسترش یافته رژیم حاکم بسیار رشاد و خرسندند و به خود نودیهای می دهند.

آنچه امپریالیسم در ایران همه امپریالیسم آمریکا می خواهد بر است که مواضع گذشته خود را تمام و تمام در کشورها احیا کند و گنگندار دیکتاتور دیگران تجسس بر سر آنها انقلاب بهم تکرار شود. چرا که انقلاب، ایران را از کنترل آمریکا و دیگر امپریالیستها خارج کرد و ضربات کاری بسه موقعیت آنان در منطقه زد. بهمین دلیل تمام نیروی آمریکا از بعد از انقلاب متوجه آن بوده است که اثرات انقلاب را ناسود ساز و دوا بران راپسه موقعیت سابق با زگرده اند. طی سالهای اخیر امپریالیسم به "تحولات مثبت درونی" جمهوری اسلامی و تا کید بر این "تحولات" برای تطبیق کامل رژیم حاکم بر مواضع خود صدام افزایش یافت. اما اگرچه امپریالیسم در برابر جمهوری اسلامی بطور عمده سیاست شلاق و شیرینی را با هدف سوق دادن جمهوری اسلامی به سوی رژیم مطلوب خود در پیش گرفت، در عین حال شوق دیگر او از جمله تلاش برای جانشین کردن نیروهای مطلوب تر خود را هرگز رها نکرده است.

مطلوب ترین نیروها برای امپریالیسم شاه پرستان بوده و هستند و مطلوب ترین آلترنا تیبو آمریکا نیز سلطنت طلبان آنان است. تلاش برای تیز کردن شمشیر رنگ زده سلطنت طلبان علیه مردم ایران و مها را اختلافات درونی آنها را با بدتر مجموعه نقشه های آمریکا مورد توجه قسرا داد. خطر سلطنت طلبان نیز بیشتر از اینچنان ناشی می شود.

آمریکا دهها کانال تلویزیونی و فرستنده و رادیویی تنها در آمریکا در اختیار آن قرار داده است. آمریکا فاشیستهای آریا میزبان را از همسان زمان پس از انقلاب در ایالات متحده آمریکا و ترکیه

گرد آورد، مصلح کرد و تا ماهه نگه داشت، علاوه بر آن آمریکا تلاش کرد تا آن را متحد کند. چرا که فربسه انقلاب علیه این ارتجاع مغلوب و ساقط نهایی سیاسی آنجنان نیرو مند بود که در مها جرت نیز آنان را به دستجات مختلف یکدیگر را متهم می کردند، تبدیل کرد. این دستجات از جنبشهای امینی گرفته تا فاشیستهای باندا آریا تا همجون گرگ های گرسنه به جان افتادند. تنها در آمریکا ۲۵ دسته سلطنت بوجود آمدند. که اکنون هم وجود دارند. اما تلاش این دسته های ضد انقلابی برای درست کردن یک "جبهه متحد و مطلوب آمریکا" هرگز قطع نشد. و بخصوص با رشد بحران رژیم و در شرایط جاری این تلاشها شدت هر چه بیشتر یافته است. شکل گیری "اتحاد ملت" نیم پهلوی، بختیار، امینی در تیر ۶۲ و تلاش تازه شاه پرستان در سرهم بندی شوراهای سلطنتی بهمین منظور انجام گرفته است. قابل توجه است که سلطنت خواهان اگرچه از رشد بحران رژیم خرسند هستند، و به تکاپوی بیشتری افتاده اند، اما در عین حال هر روز نگرانی و هراس آنها از اینکه نیروهای ترقیخواه به حیات این رژیم نقطه پایان بگذارند، افزایش می یابد. در ایران سال پیش امینی آمریکا سی با صراحت کفایت که با بهمین امروز شاه پرستان متحد شوند و عمل کنند و گرنه فردا بسیار برخواهد بود. و شاه پرستان را نسبت به قدرت گرفتن نیروهای چپ همدار و دوگفست گرا زدن بران کنونی قدرت انقلابی سربر آورد فاجعه خواهد بود. او در پیام ۱۴ فروردین نیز با همان وحشت تکرار کرد که با رژیم مبارزه کنید اما: "در این راه بر اعصاب خود مسلط باشید و از اعمال شتابزده پرهیز کنید. چه چیزی را می خواهید جانشین آن (رژیم) کنیم تا خدای نکرده از جاله در دنیا بد به جا همیسان کنیم". او گفت نگذارید "خدای ناکرده ما اجرا کنیم" در گرا زدن مردم سو استفاده کنند و به فرمای هی گرفتار زاب گسل آلودیبا فتنند.

نیم پهلوی نیز در پیام ۱۲ فروردین همیمن حرف امینی را تکرار کرد: "در این لفظه های حساب شما با ید هوشیار باشید که دشمنان دیگر از فرصت استفاده نکنند". و بالاخره با شوربختی رکه مردم ایران به درستی او را تکیه اختیار امپریالیسم می شناسند، صریحا اعلام کرد که خمینی جلاد را بر نیروهای انقلابی ترجیح می دهد. این تکرار می و وحشت های دیگری برای تشدید فعالیت اخیر شاه پرستان، با حمایت و هدایت امپریالیسم آمریکا است.

سلطنت طلبان که مجری سیاست آمریکا هستند، با جمهوری اسلامی دشمن هستند. بنی از انقلاب کابخا نه ها و اموال بسیاری از مهاجرهای مهاجم سلطنت طلب صادره شده و آنها رژیم ارتجاعی خمینی را مقصر می دانند. امروزه حکام جدید خود بدین روشهای ملت ما چنگ انداخته اند و تلاشهای سلطنت طلب همه امتیازهای را که به آنان فرصت چپا لوگام گسیخته ملت را می داد، از دست دادند. علاوه بر آن شاه پرستان ولایت فقیه را سدره رشدت با ن سرمایه بداری وابسته و سرمایه های وابسته خود می دانند آنها ارتجاعی ترین جریان سیاسی و اجتماعی کشورند و از موضع ارتجاعی بسا رژیم سرایا منطبق خمینی می ستیزند. این دستجات برای دستیابی به موقعیت پیشین خود و اعمال دیکتاتوری خشن به هر خبیانت و ردالتی تن می دهند، آنها به کمک امپریالیسم از امکانات وسیع اقتصادی و تبلیغاتی برخوردارند و در نهایت دای مختلف حکومتی نیز عتا صریحی را در خدمت دارند.

سلطنت طلبان بویژه از جناحیات و فجاج و ویرانی جمهوری اسلامی برای پوشاندن چهره واقعی خود و فریب دادن مردم حداکثر بهره برداری می کنند. آنها می کوشند تا جناحیات رژیم گذشته را در پشت پرده خونی که رژیم خمینی در برابر چشمان مردم کشیده است پنهان کنند و با مصلحت خود را با "منیت" و "قانون" وانمود سازند. آنها در برابر رژیم جنایتکار خمینی، رژیم پادشاهی با مصلحت مشروطه و در برابر قانون اساسی خمینی، قانون اساسی مشروطه را بعنوان پرچم رهای مردم جا می زنند. هرچه مردم ایران آنچه را که آنها وعده می دهند، یک بار با تمام وجود لایم کرده اند و به همین دلیل با قیام مسلحانه آن را به گور سپرده اند اما وظیفه انقلابی حکم می کند چهره عوام فریب آنان بیشتر از گذشته افشاء شود.

مبارزه با سلطنت طلبان در هر رنگ و لبای که هستند با یدیه موازات تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی شدت یابد. مبارزه با آنان مستقیما مبارزه با امپریالیسم است. باید اهداف سیاست و اقدامات آنان را قاطعانه افشا کرد. چهره های رهبران آنها و تقلای تازه آنان را بر ملا ساخت و وظیفه هر عنصر انقلابی در داخل و خارج کشور است که اهداف ارتجاعی شاه پرستان را با مردم در میان گذارد و مردم را برای مقابله با خطر آنان بیدار کند. فدا یگان خلق ایران همگامی که در به گور سپردن رژیم سلطنتی نقش خود را به درستی ایفا کردند، در خنثی کردن هرگونه توطئه تازه شاه پرستان نیز یک لحظه درنگ نخواهند کرد.

سرفهشت قانون اراضی شهری

اخیرا اجراء حکومت آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری همراه با "اصلاحات" که هیات وزیران در آن وارد کرده است را انتشار دادند. اصلاحاتی که دولت ارتجاع در آیین نامه وارد کرده در واقع اصلاحات نیست، بلکه تغییر اهداف فاسد قانون اراضی شهری با هدف تا مین کامل منافع کلان سرمایه داران است.

هدف قانون اراضی شهری، که در نتیجه فاشا رشدید توده های به رژیم تحمیل شد، جلوگیری از انحصار زمینهای شهری و بسورس برای روی آن بوده است. بهمین دلیل قانون اراضی موات را در مالکیت دولت قرار داد و هدوار اراضی با شهری را در مالکیت مالک، اما هرگونه معامله و فعالیت ساختمانی بر اراضی با برات توسط مالکان ممنوع می کند و به دولت و شهرداری ها اجازه می دهد در صورت نیاز زمینگونه زمینها را خریداری کنند و از مالکان نیز مالیات اضافی اخذ کنند. علاوه بر آن قانون اراضی شهری استنادی را در اراضی با مالکیت کاف می نمی شناسد و تشخیص این امر را بعهده "کمیسیون تشخیص می گذارد. این قانون گامی در جهت تبدیل بحران مسکن بود. قانون فوق زمانی به صورت لایحه به مجلس اول پیشنها شد که قانون ملی کردن اراضی موات و سایر شهری موب " شورای انقلاب" از طرف شورای نگهبان مرتجع ملغی شد.

این لایحه ابتدا در مجلس اول به تصویب رسید. بعدا در مرداد ۶۰ از طرف شورای نگهبان رد شد. اما در اثر اعتراضات گسترده بر رویه شورای نگهبان، نگهبانان ارتجاع ناچار شدند این قانون را تأیید کنند. اما وقتی قانون اراضی شهری و آیین نامه اجرایی آن تصویب شد، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان اراضی شهری تلاش کردند تا در قانون اجرا شود.

مطابق گزارش نخست وزیر (یکم اسفند ۶۳)، دولت به بخش خصوصی اجازه داده است که در سال ۶۱ حدود ۱۳۰۰۰۰ و در سال ۶۲ حدود ۲۵۰۰۰۰ واحد مسکونی بسازد. میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در این زمینه در سال ۶۱، ۴۳۰ میلیون ریال و در سال ۶۲، ۸۳۰ میلیون ریال بوده است. مطابق گزارش سرمایه گذاری این بخش در ۴ ماهه اول سال ۶۳، ۲۱ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است. در این گزارش یک کلمه هم دربارۀ ساز دولت و وظایف آن مطابق اصل ۳۱ قانون اساسی موب خود آقایان هم به میان نیامده است. این گزارش آنکس را که سیاست دولت در امر مسکن است، "اصلاحاتی" هم که دولت در آیین نامه اجرایی وارد کرده است، حل شناقت قانون با سیاست جاری رژیم، یعنی اجرای کامل سیاست مطلوب کلان سرمایه داران است.

مطابق ماده ۶۷ آیین نامه با مصلحت اصلاح شده به سازندگان واحدهای مسکونی برای فروش یا اجاره زمین و اکتداری می شود. به شرکتی ساختنسی و بسا زوب فروش آنها که سرمایه آنها اجازه می دهد. زمین واگذازمی شود خا نه بسا زندوبه قیمت سر ام آرد بفروشد یا بر تعداد خانه های اجاره ای خود بیافزاید.

بند ۲ ماده به هر بسا زوب فروش اجاز می دهد که در هر بار به اندازه ۱۰ واحد مسکونی زمین در اختیار می کند. مطابق بند ۳ کلان سرمایه داران اجازه می یابند بسا شرکتی ساختنسی و بسا زوب فروش آنها که سرمایه آنها اجازه می دهد در اراضی با برما زا در حد نصب تعیین شده توسط قانون اراضی شهری واحدهای مسکونی بسازند، بفروشد یا بر تعداد خانه های اجاره ای خود بیافزاید.

در عین حال دولت برای خالی نبودن عریضه و فریب زحمتکاران ماده ۷۶ را نیز به آنها اختصاص داده است. مطابق این ماده کسانی که بول پرداخت زمین را ندادند، به بیع و خفا و دارا ت و هفت خون کلان سرمایه داران واگذا ر شده اند. امروزه میلیونها تن از مردم فاقد مسکن هستند آنها یا در خانه های اجاره ای زندگی می کنند که با بت اجازه بیش از ۵۰ درصد درآمد ماهانه خود را به حساب مالکان می ریزند یا در خانه های شیره ها و در حلی با دها کبرها و زا غمه روز گسار می گذارند. میلیونها قانوار بوستایی نیز فاقد مسکن با حد اقل امکانات هستند. علاوه بر آن هرسال حدود یک میلیون نفر به جمعیت کشور افزای می شود و حدود یک میلیون نفر نیز از روستا های شهری که حاشیه شهرها و حلی با دها می شوند، در جمهوری اسلامی بحران مسکن هر روز در تور برای زحمتکاران دردها وتر می شود. این رژیم هیچ قدمی در راه حل این مشکل اجتماعی بر نمی دارد. حل مساله خاد مسکن نیز مثل دهها مساله اساسی دیگر در گرو عزم و وزم می مال مردم علیه غارتگران و استثماران حاکم است.

تلفیق کار مخفی و علنی

و ضرورت کار سازمانگرا در میان توده‌ها

در شرایط کنونی کار مخفی رکن اصلی مبارزه انقلابی است و سازمان مخفی متشکل از انقلابیون با تجربه‌دینداوم نبرد علیه رژیم و ارتقاء آگاه‌های سیاسی توده‌ها و متشکل کردن آنها نقش حیاتی دارد. باید در نظر داشت که هدف از ایجاد شیوه کار مخفی حفظ حیات سازمان به منظور تداوم کار انقلابی و فعالیت در میان توده‌هاست. اساساً به آنگاه نیروی لایزال زحمتکشان و کمک و پشتیبانی آنان در حفظ فعالین انقلابی است که می‌توان ادامه‌گزارای سازمان انقلابیون را تضمین نمود.

محتوی کار مخفی هماهنگی و تلفیق فعالیت تبلیغی، ترویجی، بسیجی و سازماندهی مردم است. خلعت کار مخفی بمنابا به شیوه و شکل مبارزه انقلابیون "در این نیست که گروه کوچک افراد را از دشمن مخفی نماید، بلکه این خلعت در اجرای پیگیری کار توده‌ها و دورا اختیار داشتن سیل گمگهای مداوم از جانب توده‌ها که در رابطه فشرده با سازمان مخفی هستند، تبلور می‌یابد. یک حزب مخفی قوی، حزبی است که عمیقاً در توده‌ها ریشه داشته باشد و بوسیله تعداد زیادی از هواداران (سپا تیزانها) و فعالین انقلابی غیرحزبی احاطه شده باشد." (رهنمودهای کمیته‌نشین در باره تلفیق کار مخفی و علنی) در مواردی دیده شد که برخی از رفقا و واحدهای سازمانی این آموزش را بطور همه‌جانبه بکار نمی‌بردند و در حالی که امر آگاه‌ها را از بسیج‌سوا زبانه‌دهی توده‌ها را از طریق بخش ارگان کمیته مرکزی و دیگر نشریات سازمان و نوشتن شعار در مکانهای مناسب پیش می‌بردند و با برنامه‌های مستقیم مبارزات توده‌ها و رهبری مستقیم حرکات و اعتراضات کارگران و دیگر زحمتکشان در محیط کار و زندگی خود نیز به بهره‌گیری از امکانات علنی و قانونی برای گسترش مبارزه توده‌ها برای لازم راضی شدند.

در شماره‌های قبلی نشریه گزیده درستی بر نقش و اهمیت بخش نشریات سازمان تأکید شده است. "توزیع شبنامه، بخش تراکت به صورت وسیع، شعار نویسی روی دیوارها - در محل‌های تردد و محیط‌های کار - تاکتیک بخش غیرمستقیم نشریه‌ها، رویدادگرا شدن سازمان (در خانه‌ها، محلات، محیط‌های کار و اجتماعات)، بجنون‌ترین شکل فعالیت تبلیغی با بهره‌گیری از تراکت‌ها و روش‌های دیگر، بکارگرفته شدن روش‌های دیگرگرا شدن این تاکتیک‌ها و پیوستن آنها به تبلیغ سیاسی در سطح جامعه، مایه‌توانیم پرچم سازمان را بلند و بلندتر برافرازیم و زمینه را برای کار توده‌های هر چه وسیع‌تر و ترو ترو مین پیوند ضروری مبارزات توده‌ها فراهم سازیم" (نشریه گزیده شماره ۴). اکنون که مبارزات مردم گسترش بیشتری یافته و به اشکال مختلفه از جمله اعتراضات و نظرات مردمی آید "توزیع شبنامه، بخش تراکت به صورت وسیع، شعار نویسی روی دیوارها" بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. در این میان بویژه باید بر بخش هر چه وسیع‌تر ارگان کمیته مرکزی سازمان تأکید کرد که نقش مرکزی را در آگاه‌سازی و بسیج توده‌ها ایفا می‌کند.

همینگونه باید بر اهمیت حیاتی کار سازمانگرا در مستقیم در میان توده‌ها تأکید کرد. سازماندهی و هدایت مستقیم حرکات و اعتراضات مردم موجب می‌شود که هم بین سازمان و مردم پیوند مستقیم و عمیق بوجود آید و هم مبارزه مستقیم مردم دارای رهبری مستقیم و متشکل ضروری گردد و در نتیجه در هر مرحله از مبارزه فعالین برای ارتقاء حرکات توده‌ها و تقویت جنبه سیاسی آن بسیار افزایش می‌یابد.

چه بسا ممکن است تحت تاثیر جو ترو ترو و اختناق برای برخی از فعالین انقلابی ضرورت، اهمیت و اصولیت کار پر حوصله و دراز مدت در شکل‌های مختلفی بوجود آمده‌ها که در این آنها عوامل رژیم قرار گرفته اند نیز علامت سؤال برود. موکداً باید گفت شرکت در این نوع شکل‌ها نه تنها مفید برای اصول انقلابی نیست بلکه در شرایط ترو ترو و اختناق نیز برای انقلابیون ضروری حیاتی است که از هر گامی برای پیوستن تنگ با توده‌های مردم استفاده کنند و با جدا کردن توده‌ها از سازمان توده‌ها بپردازند. اینجور می‌تواند مخالفان دشمنان ما به نیرنگ متوسل خواهند شد تا کمونیست‌ها را به تاحدیه‌ها راه ندهند و بهر وسیله شده آنها را از آنجا برانند و کار در داخل اتحادیه‌ها را برای آسان حتی الامکان تا منطوب تر سازند و توده‌ها را تحت‌تأثیر دشمنان تحریک کنند و مورد تحقیقات قرار دهند. باید یادتان باشد که در مقابل این اعمال مقاومت و رزیدنه و به هم و هرگونه فداگوری‌ها در دنا دوحتی در صورت لزوم بهرگونه حیله و نیرنگ و شیوه‌های غیر علنی و بیگوت و کم‌توان حقیقتاً متوسل شد تا هر طور شده به تاحدیه‌ها راه یافت و در آنها باقی ماند. وجهی تمیزی شده فعالیت کمونیستی خود را انجام داد" (بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم)

باید به تفاوت کار مخفی و کار علنی و محدوده عملکرد آنها توجه داشت. توده‌های میلیونی مردم نمی‌توانند در کار مخفی شرکت کنند. اما اقدام علنی می‌تواند با شرکت خود توده‌ها صورت گیرد و افکار وسیعی را در برگیرد و بسط سازمان نیایی آنها کمک کند. در شرایط امروز بخش نشریه، اعلامیه و تراکت و شعار نویسی عمدتاً به دست انقلابیون پیشرو صورت می‌گیرد و در واقع کار سازمانی در یک کارخانه تراکتی در مورد اضافه دستمزد یا برگرداندن کارگران اخراجی و یا حمایت از اعتصاب کارگران پخش می‌کنند و ضرورت و مکان کسب مطالباتشان را اثبات می‌کنند، هنوز این توده کارگرنیست که را برای افزایش دستمزد و برگرداندن همکاران خود اقدام کرده است ولی تا زمانی که کارگران کارخانه برای اضافه دستمزد و اخراج همکاران به اعتراض بر می‌خیزند و به اقدامات گوناگون از جمله اعتصاب دست می‌زنند دیگر این اقدامات نمی‌تواند مخفی باشد و این خود کارگران هستند که از مرحله زرو و خواست قدم در راه مبارزه عملی مشخص گذاشته اند و به اقدام علنی و آشکار دست زده‌اند.

بنابراین، رهنمود بنین اصل اساسی در فعالیت انقلابی در شرایط سرکسوب و خفقان پلیسی پیوند ما به ارگان کار مخفی و علنی است. این از سرشت سازمان انقلابی که دارای پیوندهای خدشه‌ناپذیر با توده‌های مردم می‌باشد ناشی می‌گردد. سازمان انقلابی تنها در بر توفیق کار مخفی و علنی قادر خواهد بود که وظایف خود را انجام و از لایزیدن به انحرفات اجتماعات بزرگ، بزرگ می‌گوید: "اگر بی‌شکوه‌ها به کمک بیگاری بسیار دشوار روی لزوم در آمیختن اشکال علنی مبارزه با اشکال غیر علنی و لزوم شرکت در تجاری‌ترین تریسین پارلمان و در یک سلسله سازمان‌های دیگر که قوانین ارتجایی بر آن حاکم بود، با فشاری نمی‌کردند، نمی‌توانستند، هسته‌ها پیدا ر حزب انقلابی پرولتاریا را در طول سالهای ۱۹۵۸ - ۱۹۶۴ محفوظ نگه‌دارد. (به طریق اولی آن را تحکیم بخشد، گسترش دهد و تقویت کند) (بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم) وظیفه مخفی کاری است که پیشرو و وظایف سازمانی را تا انتزاع شده و در عین حال بنیاد تشکیلات را تا حد امکان فربه‌نا پذیر سازد. واحدهای

سازمانی همراه با رعایت دقیق اصول پنهان کاری می‌بایست شیوه‌های جدید کار در عرصه‌های مختلف حیات سازمانی را بکار گیرند. ولی کار بست مسایلی فوق برای تداوم کار انقلابی و حیات سازمانی کافی نمی‌باشد ضروری است که هر چه حدس‌ها و نظریه‌ها و محافل هوادار و نیروهای مترقی و دمکراتیک و تشکلهای توده‌های تحت رهبری خویش احاطه شده باشد. در حقیقت برای پنهان شدن از دشمن لازمست تا فشرده‌ترین واقعیه تریب رابطه با توده‌ها برقرار باشد. بنا بر این حزب بجای پنهان کردن خود توده‌ها باید - آنان را بسیج نموده و با نهایت قدرت به دشمن ضربه وارد سازد" (رهنمودهای کمیته‌نشین در باره تلفیق کار مخفی و علنی)

کار مخفی را چگونه با کار علنی پیوند دهیم؟

در رژیم‌های استبدادی هما نند رژیم ارتجایی خمینی با وجود جو ترو ترو و خفقان، امکانات برای کار مستقیم تبلیغی و سازمانگرا نه در بین مردم وجود دارد. در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی را بحرانی عمیق در جوانب مختلف فرا گرفته است. جنبش توده‌های به لحاظ کمکی و کیفی با شتاب گسترش می‌یابد و اشکال اعتراضی آشکار تر و جاد تر بوجود می‌گردد. اعضا با تارخانات ذوب آهن، ساکنان و نظرات اخیر مردم در کوئی ۱۳ آبان، نشان‌ها رز و بیرون‌جسته و سخت یافتن اعتراضات توده‌ای است. امروزه شکارگاری به سازمان‌های انقلابی در بین مردم در حال رشد است و اعلامیه‌ها و تراکت‌ها و شعارهای سازمان با استقبال مردم مواجه می‌گردد. با رشد جنبش توده‌ای امکان کنترل تشکلهای موجود توسط رژیم جمهوری اسلامی کاسته می‌شود. در شرایط فعلی امکانات خوبی برای کار توده‌ای وجود دارد.

واحدهای محلی و منطقه‌ای علاوه بر بخش نشریات و نوشتن شعارهای سازمان از یک سوی با سیاست اعلامیه، تراکت و شعارهایی را که در رابطه مستقیم و نزدیک با مسایل، مشکلات و حرکات و اعتراضات مشخص و جاری مردم قرار دارد و در ایجا د تقویت رابطه مستقیم میان توده مردم و سازمان متوسل تیبیه و پخش نما یبند و از سوی دیگر با کار در بین کارگران و زحمتکشان، آگاه‌ترین و پیشروترین عناصر سازمان مفوف سازمان جلب کنند.

در شرایط کنونی برای پیشبرد موثر فعالیت در میان توده‌ها می‌بایست از اصل تمرکز نیرو در حاس‌ترین و آماده‌ترین کانونهای مبارزات اجتماعی پیروی کرد. مهمترین آماج فعالیت توده‌ای سازمان گسترش نفوذ در میان طبقه کارگر و در درجه اول در واحدهای بزرگ صنعتی و استراتژیک (نظیر نفت، ذوب آهن، ماشین‌سازیه‌ها، راه آهن، مخازن، هواپیما، حمل و نقل شهری و غیره) است. واحدهای سازمانی می‌بایست بطور جدی و پیگیر در جلب کارگران سپات گیری و ایجاد حوزه‌های سازمانی در این واحدها تلاش کنند. کارگران مابین واحدها بیکجا خود را در واحدهای بزرگ و استراتژیک مستحکم سازند و مبارزات کارگران این بخش‌ها را مهم اقتصادی را که آگاه‌ترین و آماده‌ترین بخش جنبش توده‌های زحمتکش را تشکیل می‌دهند رهبری نصب آید، بسی‌شک گام‌هایی را در راه بسیج توده‌های مردم برداشته است. کارگران واحدهای بزرگ صنعتی، پیوندهای زیادی با سایر زحمتکشان شهروند دارند و بهترین حلقه ارتباط سازمان با این نیروها هستند.

کار در بین دهقانان آماج دیگر نیروهای سازمان است. هدایت مبارزات دهقانان و متشکل کردن آنها بسیار پراهمیت است. می‌بایست از کانونهای مختلف ارتباط با دهقانان مبارز و معتمدین روستا، معلمان روستا، دانش‌آموزان روستایی کارگران فصلی و طرق ممکن دیگر فعالین در بین دهقانان زحمتکش را وسعت بخشید.

جوانان مبین ما در معرض انواع ستم‌های اجتماعی قرار دارند و نقش و اهمیت جوانان بوضوح در روند انقلاب بهمین دیده شد. کار در بین جوانان از اهمیت بسیار برخوردار است. برای تشدید فعالیت سازمان در واحدهای تولیدی، روستاها، نیروهای نظامی و دیگر عرصه‌ها می‌بایست فعالیت در بین جوانان، در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها و در محیط‌های گسترش یابد. سازمان در سال‌های اخیر وسعت در بین جوانان فعالیت می‌کند. واحدهای سازمانی در شرایط کنونی نیز با وجود سرکوب شدید می‌بایست در بین جوانان کار کرده و آنها را به اشکال مختلفی سازماندهی نماید.

آماج دیگر فعالیت در بین نیروهای مسلح است. اکثریت این افسران و فرزندان زحمتکشان تشکیل می‌دهند. رژیم خمینی می‌کوشد این نیروها را از پرست جدا کرده بجنون ابراز سرکوب استخفا دهد. ولی نیروهای نظامی مبین پرست به تجربه و درمیدان‌های جنگ به ما هیبت سیاسی ارتجایی و جنگ طلبانه رژیم پی می‌برند و به اشکال مختلف به اعتراض بر می‌خیزند. تجربه نشان می‌دهد که جلب بخشی از نیروهای نظامی به صفوف انقلاب و تصحیف ارگانهای سرکوب رژیم‌های ارتجایی، در پیروزی انقلاب نقش بسیار جدی دارد. برای سرکوشی رژیم جمهوری اسلامی کار فعالی سیاسی و بسیج توده‌های کافی نیست، می‌بایست به کار در بین نیروهای نظامی توجه لازم مبذول داشت. واحدهای سازمانی باید فعالیت تبلیغی و سازمانگرا در بین نیروهای مسلح وسعت بخشند.

تلفیق کار مخفی و کار علنی عرصه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. یکی از عرصه‌های فعالیت در تشکلهای موجود، تلاش برای ایجاد تشکلهای واقعی توده‌ای است رژیم خمینی با وجود پیوستن سیاست ترو ترو و اختناق تاکنون نتوانسته است تمام تشکلهای راناً بود سازد. هنوز زرد کارخانجات و روستاها و دیگر جاهای تشکلهای نظیر سندیکا، شورابویژه تعاونی‌های مسکن، معرفی و اعتباری و تیمهای ورزشی و غیره وجود دارد. می‌بایست با هدف احیاء و بازسازی در این تشکلهای شرکت جست و آنها را از دست عوامل رژیم گرفت و به ارگانهای مستقل و متعلق به خود کارگران و دیگر زحمتکشان تبدیل کرد. نفوذ در این تشکلهای دوطرفه و مقهور است یکی عضویت بلاواسطه در این تشکلهای و دیگری پیش‌بردن شعارها و سیاست مورد نظر سازمان از راه‌های غیر مستقیم و با واسطه. واحدهای سازمانی می‌توانند به شوق وسایل ممکن نظرات سازمان خود را در این تشکلهای جاری کنند و با برقراری ارتباط با فعالین این تشکلهای تشدید آنها با اخبار، اطلاعات و آمارهای لازم و تلاش برای یکجذبیت عناصر متربست در درون آنها و اعمال فشار از بیابین به رهبری تشکلهای برای قرار گرفتن امکانات این تشکلهای در خدمت مبارزات مردم بکوشند. در واحدهای تولیدی با وجود گسترده‌گی و تشدید مبارزات اعتراضی و مطالباتی، کارگران هنوز فاقد تشکلهای مستقل خود هستند. باید شعار تشکلهای سندیکال و اتحادیه‌های مستقل کارگری و وسیله تبلیغ و ترویج کرد. نزدیک ترین و موثرترین طبقه برای تشکیل سندیکا در شرایط کنونی تشکلهای هسته‌های مخفی کارگری است که می‌بایست از محرب‌ترین و پیشروترین کارگران تشکیل گردد. برای تشکیل هسته‌های مخفی می‌بایست نیروی کافی اختصاص داد. تجربه نشان می‌دهد که طبقه بنسندی اعتراضات و اعتصاب‌ها کارگری در بین عده معدودی از کارگران که دارای بویط محفلی و دوستانه اند، شکل می‌گیرد. باید این محافل را در واحدهای تولیدی پیدا کرد و در یک روز کار پیگیری و با حوصله آنان را یاری داد که به هسته‌های مخفی

يك پیروزی دیگر برای کارگران

روز دهم اردیبهشت، رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی، اطلاعیه‌ای از جانب وزارت کار و امور اجتماعی پخش کردند که در آن از "کارگران معتمدت" خبر داد و حومه برای شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در ورزشگاه آزادی دعوت شده بود.

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی نیز اعلام کرد که مراسم بزرگداشت روز کارگر در ساعت ۹ صبح روز ۱۱ اردیبهشت در ورزشگاه آزادی برگزار خواهد شد. (لازم به تذکر است که رژیم، در سه سال اخیر، این مراسم را به صورت محدود و آنهم در ساعت ۴ بعد از ظهر یعنی بعد از پایان کار پروژانه (برگزاری کرد). به این ترتیب رژیم کارگرستیز جمهوری اسلامی بدون آنکه رسماً تعطیلی روز کارگر اعلام کند، به یک عقب نشینی ناخواسته و تا گزیر در برابر اراده و خواست طبقه کارگر ایران تن داد. خامنه‌ای به اتفاق وزیر کار و رفاه اجتماعی و نخست‌وزیر، در این مراسم حضور یافت و سخنرانی کرد، رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۱۳ اردیبهشت، از روز کارگر و اهمیت آن سخن گفت و منتظری طی دیداری با کارگران و معلمان، از اینکه هنوز شرايطی پیش نیا مده که حقوق این دوقش (کارگر و معلم) کاملاً تامین شود" ابراز تاسف کرد.

اینهمه "بذل توجه" مقامات نسبت به "مقام کارگر" و "روز کارگر" معنا بش چیست؟ خواست رژیم طی سالهای اخیر همواره این بود که روز اول ماه مه را سالانه یادیده بگیرد. اما چون توان منسوخ کردن این سنت را در خود نمی دیدی می کرد که از شواهد و اوضاع متناهی دیگری چون نیمه شعبان ("روز جهانی مستضعفان")، روز میلاد علی و سایر رویدادها و مناسبت‌ها، آمارانجام رژیم مستبدتر شد. فشارها بر کارگران برای تعطیل رسمی اول ماه مه عقب نشینی کرد. سران رژیم در سالهای اخیر به تجربه دریا قنبد که علیرغم مخالفت شان با تعطیل اول ماه مه و برگزاری این جشن، کارگران در سرانجام، جشن را برگزار می کنند و این روز نیز در همه واحدها عملاً به صورت نیمه تعطیل درمی آید، از طرف دیگر آنها خوب می دانند که مخالفتشان با این خواست عمومی، اعتراضات کارگری را بیش از پیش تشدید می کند. لذا برای جلوگیری از تعطیل خود بخود کارگران در روز شنبه از دستشان، خود را ناگزیر از آن دیدند که "ابتکار عمل" را به دست گیرند و در این حال با تعطیل این روز هم رسمیت نبخشند تا بدقت را بتوانند آنچه را که امروز بنا گزیر از دست می دهند، آنرا نترس بگیرند.

کارگران آگاه و پیشرو با بدمن افشای این فریبکاریها، اهمیت این دستاورد پیروزی جدید را برای توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان توضیح دهند و مبارزه کارگران را برای رسمیت دادن به تعطیلی روز اول ماه مه همچنان به پیش برند.

اختصاص داده شده با جزئیات اعلام گردید. روز بعد موسوی نخست وزیر رژیم نیز طی سخنرانی به وزارتخانه‌ها، سازمانهای وابسته به دولت و تحت پوشش آن اعلام کرد: "کلیه خواهران جانب اسلامی را در محیط کلیه دواپردستگاههای اجرایی به دقت مراعات کنند" وی وزیرای کابینه را مسئول مستقیم اجرای سخنرانی خود بازرسانی جهت پیگیری تعیین کرد. این تلاشها و چنگاکنه سران رژیم برای علم کردن غائله مبارزه به "بی حجابی و بدحجابی" به این منظور بوده است که در عین حال زیر پای پوشش مردم را مرسوب کنند، از ادامه تظاهرات آنان جلوگیری نمایند و افکار آنان را از مبارزه با طرح و علیه جنگ و رژیم منحرف سازند.

هیا هوی مبارزه با فساد در عمل چیزی جز دستگیری افراد "مشکوک"، تفتیش بدنی و گشتن کیفها و بستن چهار راهها و بازرسی مردم در پس شرايطها و از قبیل قیچی کردن موی سر مردان جوان، حمله به زنان و غیره نبوده است. اما وقتی شرايط "سته‌های" حزب الله و یگزیوسیندهای آنان به حدی رسید که سراسر شهر را در شنج انفجار میز فروبرد، خامنه‌ای با ردیگر به جهت آدمویی یک صاحب رادیو تویستی اعتراف کرد زیرا ده روپیه بی صورت گرفت و وعده‌ای از مردم مورد هجوم قرار گرفتند البته خامنه‌ای این زیاده رویها را به حساب گروههای سیاسی گذاشت. او سپس گفت: "بالاخره این تظاهرات (منظور هجوم جماعتاران) هر چه بود و هر چند روز بود کافی است و دیگر ادامه نیابد" و افزود: "از این پس مسئولین دولتی و قضایی باید اقدام کنند" او با این صراحت نقش خود مقامات طرازا و رژیم را در سازماندهی دستجات و باطن علیه مردم زحمتکش بیان کرد. وی در ادامه تصریح کرد: "البته این راه توجیه بکنند البته گفتیم مردم تظاهرات نکنند در باره مسائل مربوط به فحشا و منکرات گفتیم، اگر گروههای سیاسی بخواد هند شرارت کنند، تحریکات کنند و تحت عناوین مختلف بی بندتوری خیا با آنها (منظور برپایی تظاهرات مردم علیه جنگ و رژیم است) ... حزب الله خواهد آمد".

بدین ترتیب رئیس جمهور خا ش رژیم صریحاً می گوید مردم را با دستهای او باطن حزب الله برسانند و تظاهرات و اعتراضات جلوگیری کند، اما این تهدیدها راه بجایی نمی برد. ارتجاع با ادامه جنگ خامنه‌ای، تورم، بی کفایتی و شکست و اقدامات و ... و راه اندازی دستجات او باطن و عملیات فاشیستی در خیا با آنها هرگز نمی تواند از خیزش توده‌ها علیه جنگ و علیه رژیم جلوگیری کند. با فاعل تریبیکرما زمانهای انقلابی و مردمی همرا با تجریبات و مبارزات روزمره و توده‌ها سرانجام راه سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هموار خواهد شد.

جنايات دسته‌های حزب الله

دراوا فروردین و اوایل اردیبهشت بار دیگر دستجات موتورسواران وابسته به رژیم به خیا بانها ریختند و هر چه که از دستشان برمی آمد نجا مدها دهند. آنها در حالی که چون هیران خدیبه هرزه ترسین شکلی علیه بی حجابی و بدحجابی" شعاری دادند و وشبان به مردم هجومی بردند و زنان و جوانان را مورد شدید تیران اهانته با قرا می دادند. با یمالی کامل حقوق زنان، به راه انداختن دسته‌های او باطن برای آزار زنان و جوانان و دست زدن به بیبکار ریهایی تکان دهنده بعنوان "کیفر بدحجابی و بی حجابی"، سیاست همیشگی رژیم است. دمنشی‌های اخبر دسته‌های او باطن وابسته به رژیم نیز یکی از هزاران نمونه است. اما بسیار قابل تامل توجه است که بیبنیم افزون بر آن، رژیم درجه شرايطی بار دیگر تنور "مبارزه با بی حجابی" را آتش می کند و او باطن و هرزه گردان خود را علیه مردم به میانی می ریزد؟

هیا هوی اخیر علیه "بی حجابی" در شرايطی بسیار شدید دهها هزار جوان ایرانی در عملیات فاجعه آمیز "بیدار قتل عام شدند و هزاران و بسیاری شهرهای کشور توسط رژیم مدام جنایتکار ریمباران می شد و در این بمبارانها خانه‌ها و کاشانه مردم ویران و خود آنان را کشتار می شدند. جنايات جنگی تازه سران رژیم، خشم و انزجار مردم را هر چه بیشتر علیه این جنگ و علیه رژیم برانگیخت و به تظاهرات مردم علیه جنگ و رژیم در چند نقطه جنوب تهران و در برورد و چند شهر دیگر انجامید. تظاهرات گسترده کوی ۱۳ آن که به مناطقی دیگر جنوب تهران گسترش یافت و هزاران نفر در آن شرکت داشتند و وطنی آن ساعتها زود خورد و جنگ و گریز بین مردم و نیروهای سرکوب رژیم صورت گرفت. شاخص ترین آنها بود. رژیم حتی مجبور شد یک تپیا از سپاه سرکوبگر را جهت کنترل مردم خشمگین جنوب تهران از جبهه فرابخواند. اما سران رژیم این اقدامات را کافی نمی دانستند به همین جهت او باطن "حزب الهی رانیز به خیا با آنها کفیدند.

با همین هدف خامنه‌ای در نماز جمعه ۳ فروردین با علم کردن مجدد مساله حجاب فرمان حمله و هجوم او باطن به مردم را صادر کرد. دوروز بعد، دادستانی کل کشور اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن تالان گیری او باطن و وابسته به رژیم در خیا با آنها تحت عنوان "مبارزه با بی حجابی و بدحجابی" مورد تادیب و حما ی قرا گرفت. اطلاعیه کلیه کسانی را که به اصطلاح با پوشیدن لباسهای نامناسب و خلاف عفت به قوانین اسلامی و مقدسات مردم توهین می کنند" به بر خورد "قاطع" تهدید کرد. به همین دلیل مواد ۱۰۴، ۱۰۲ و ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی که در آن برای متخلفین مجازاتی از ۲۴ ضربه شلاق تا اعدام

تعمیق کار مخفی و علنی

کارگری فراروبند، عتار بر نفوذ و مؤزدا عتما دکارگران نیز در شکل گیری هسته‌های کارگری نقش مهمی برعهده گیرند. علاوه برای جلب و جذب فعالین سندیکایی و شورایی که به جهت انحلال بسیاری از تشکلهای کارگری و سیاستهای ضد کارگری و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی دل کنده اند، تلاش کرد و تانرا در غیب و تشویق نمود که هسته‌های کارگری را دروا حدهای مختلف تشکیل دهند. نیروهای سازمان دروا حدهای تولیدی باید در تشکیل هسته‌های کارگری پیشقدم شوند.

عرصه دیگر کار در شرايط کنونی شرکت فعال در راه اندازی و گسترش تظاهرات توده‌های مردمی باشد. تاکنون تظاهرات متعددی در شهرهای مختلف کشور رخ داده است که تظاهرات در کوی ۱۳ آن برجسته ترین آن می باشد. نیروهای سازمان در این تظاهرات فعالانه شرکت داشتند. بی با یمنست واحدهای سازمانی اما دگی کافی برای شرکت در این نوع تظاهرات را داشته باشند و با ابتکار و اعتماد و مت تظاهرات کارکنان را افزایش داده و با طسرح شعارهای مناسب آنرا هدایت نمایند و به تقویت و تعمیق محتوای سیاسی آن بپردازند.

عرصه دیگر فعالیت تشکلهای نیمه پیدار می باشد به تجربه دیده می شود که مردم در محل زندگی و کار برایی طرح خواسته‌های خود مع می شوند و به اشکال مختلف به سیاستهای رژیم خیمینی اعتراض می کنند که می توان از اعتراض مردم برای آب و برق، مسکن، و علیه ادامه جنگ و ویرانگری و غیره در شهرهای مختلف نام برد. این تجمع ها در شرايط کنونی روز بروز گسترش بیشتری می یابند و مورد مردمی می تواند به شکل پایداری تبدیل شوند. نیروهای سازمان می با یست در این تجمع ها فعالانه شرکت کرده و بکوشند تا آنها را هدایت کنند و به ارتقا آنها به شکل های پایداری کمک کنند.

فعالیت در میان مردم را نیز باید دنبال کرد. تشکلهای خاصه که می توان به طر مختلف با کارگران و زحمتکشان تماس گرفت. فعالین سازمان در محیط کار روزندگی می با یست بدون اینکه هویت سیاسی و سازمانی خود را برملا سازند، در مبارزات مردم شرکت جویند. جلب عتما دو اطمینان مردم از اهمیت اساسی برخورد راست. هر عتما انقلابی می با یست با روحیه خدمت و دلسوزی، بسیار گذشت و فدا کاری و از طریق آگاه خیمین و هدایت مبارزات مردم، نظر آنها را به سوی خود جلب کند. این امر را به اشکال مختلف می توان پیش برد. فعالین ما می توانند در محل های کار و روزندگی به مردم برسند، در حسل مشکلات آنها شرکت جویند، در غم شوای آنها شریک شوند و رابطه نزدیک و دوستانه با مردم ایجاد کنند.

بفصلی از صفحه ۶

فعالین سازمان لازمست در درجه اول به سراغ کسانی بروند که به جهات مختلف توانسته اند اعتماد مردم را کسب کنند و بعنوان معتمد به حساب می آیند. حاصل این شیوه کار بیشتر است. از طریق این عتار صریح ترمی توان به جمع بیشتری دسترسی یافت و بطور موثر تر عمل کرد. واحدهای سازمانی در محدوده فعالیت خود می با یست بر نامه معینی را برای پرورش چهره‌های مورد اعتماد مردم داشته باشند.

واحدهای سازمانی می با یست به فعالیت در بین زنان، معلمان، کارمندان، اقلیت‌های ملی و مذهبی، خانواده زندانیان سیاسی و شهدای جنگ و آوارگان جنگی نیز بپردازند.

یکی از اجزای مهم تبلیغ کار علنی و کار مخفی فعالیت در مطبوعات و ارگانهای تبلیغی و انتشاراتی است. رژیم خیمینی به تبلیغات وسیع ضد کمونیستی، ضد علمی و خرافاتی دست زده و فرهنگ ارتجاعی را در جامعه اشاعه می دهد. اما مبارزه انقلابیون در این عرصه خیلی وسیع تروجدی تر از دوران رژیم ستم شاهی است. برای پیگاری فرهنگ ارتجاعی و با وجود کنترل شدید مطبوعات و انتشارات. کتب می با یست از مطبوعات و انتشارات علمی سوجست. در سالهای قبل از انقلاب علیرغم اعمال سانسور شدید از جانب ساواک عتار مترقی توانستند به اشکال مختلف به اشاعه ادبیات مترقی، اصول فلسفه علمی و اقتصاد سیاسی در جامعه یاری رسانند و حتی در برخی مطبوعات به کار روشنگرانه بپردازند. در شرايط کنونی گرچه استفاده از مطبوعات علنی، گرفتن امتیاز نشریه و انتشار کتاب با دشواری و سختی زیاد همراه است ولی ضرورت دارد که راهها و شیوه‌های مکن گیری از مطبوعات علنی، نهادهای فرهنگی، آموزشی و هنری را فرا گرفت و به تالیف و ترجمه کتابهای علمی و اجتماعی دست زد و راههای برای انتشار آن پیدا کرد. واحدهای سازمانی می توانند نیروهای دمگرات، استادان، نویسندگان، هنرمندان و سایر عتار مترقی را تشویق کنند که بر تلاشهای خود بیفزایند و برای پیشبرد این امر بطور پیگیر و سازمان یافته به آنها یاری رسانند.

آری! برای سرنگونی رژیم سرار ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری ملی و دمگراتیک باید از همه امکانات برای آگاه سازی و بسیج و سازماندهی توده‌ها بهره بگیریم. می باید بطور هوشیارانه و خلاقانه کار مخفی و کار علنی را ترکیب کنیم و همه نیروهای مکن را برای رسیدن به هدف مقدس خلق آزاد سازیم. کوتاه ترین راه رسیدن به هدف، راهی است که بر سهولت استفاده از همه امکانات همواری شود.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران!

چشمان قهرمان باز است!

به یاد رفیق خسرو روزه

"من با قتلش آتشی که بیخا طر خدمت به خلقهای ایران در درون سینها م شعله می کشد، راه حزب توده ایران را برگزیده ام و با پیدا دان کنم که جانم استخوان این راه را مقدسی شناخته است و تمام وجودم این بدن من و ذرات وجودم توده ای است."

۲۱ اردیبهشت با گذشتن از خسروروزه فرزند قهرمان خلق و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است. روزه، بیگارجوی خستگی ناپذیر و مبارز بیگریویا بدار، سمبل عشق و وفا دار به آرمانهای والای انقلابی، حزب خود مردم خود بود. حماسه زندگی، قهرمانی و شهادت شکوهمندش به جسمی زنی از فرهنگ افتخار فرین جنبش انقلابی مبین مان بدل شد. دفاعیات آتشین و شورانگیز روزه در سیدادگاههای شاه، با زتابی عظیم و جهانپاقت و به انقلابی ترین شعارها و پرچم ستار و سرفراز مبارزه علیه رژیم ضدمردمی و جناحیتکارشاه مبدل شد.

خسروروزه از آن زمان که هنوز به راه سیاسی گام نگذاشته بود، در محیط کار خود در ارتش شخصیتی رزمجو و زادمنش، برجسته و مردا حترام داشت. از سخنی هانسی هراسید، از میبندان نمی گریخت، از ناگامیها نمیبدمش، شوقا بافتاری از آنچه حق و عدالت می شناخت دفاعی می کرد. آنچنان که گفته است "هروقت با فساد مواجه می شدم اراده ام برای مبارزه با آن محکمتر می شد کوشش روزه برای کشف سرچشمه بی عدالتی ها و از میان برداشتن آنها بزودی او را در حرکت فعال سیاسی و در مواضع اندیشه علمی و انقلابی قرار داد. روزه از زمره نخستین افسرانی بود که در سال ۱۳۲۲ به حزب توده ایران پیوست و از بنیانگذاران "تشکیلات افسران آزادخواه ایران" شد. مقالات او و بیوز کتبا با طاعت گورگورانه "افشاگر مفاسد سران ارتش و دعوت افسران و درجه داران به مبارزه در راه میهن و مردم و علیه استعمار و امپریالیسم سواد و زندگی سیاسی پربار و فعالی توام بسای دشواریها و مسئولیتهای خطیر در پیش داشت. بیوزی تا جانشینان و دشوار رخی را در پیش گیرد، چیدوار دستگیری با موفقیت از زندان گریخت، به دلیل لیاقت و توانایی خود مسئول شعبه اطلاعات و تشکیلات نظامی میشد. به دنبال کودتای ۲۸ مرداد، روزه با شجاعت و تمام توان خود برای حفظ حزب و تشکیلات

به یاد مجاهدین شهید حنیف نژاد و یاران

چهارم خرداد ماه مصاف با سیزدهمین سال شهادت محمد حنیف نژاد، افسر بدیع زادگان و سعید مدحی بنیانگذاران عسگری زاده و منگیمن قام کارهای مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران است که رژیم ستم پیشه شاهنا جوا غرق انداخته راه جفا و اعدا م سپرد.

این انقلابیون پاک باخته و فداکار در شرایط تسلط امپریالیسم و ارتجاع بر کشور و اعمال دیکتاتور خشن شاه خاشن بیخا خاستند و علیه امپریالیسم و دیکتاتور به بیگار برداختند. مقاومت آنها در زیر شکنجه های رژیم شاه و دفاع آنها از آرمانهای سیمای صمیمی و رزمنده آنان را به نیکی نزد خلق ترسیم کرده است.

آنها به ضرورت مبارزه همه جانبه علیه امپریالیسم و ارتجاع تا کیددا شدند. اظهارات، نوشته ها و دفاعیات آنها مملو از خشم و کینه عمیق نسبت به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی آن بود. بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران علیبرغم تشکیلات گسترده امپریالیست و ساواک شاه و شریون مروج علیه انقلابیون کمونیست، شجاعانه و آگاهانه و با بیبش با زوعتالی طلب بر ضرورت اتحاد با کمونیستهای می فریادند. هرچا که چنین کوششایی جریا ن یافت و بی گرفته شد میان انقلابیون مسلمان و کمونیستها اتحاد و دوستی بسایا برپا نشود و بدیده مدکه سالها جنبش از آن بیفودا ر شد.

امروز، در شرایطی که نیروهای انقلابی و شریخواه کشور ما آماج بدترین تهاجمات ارتجاع قرار دارند، همچون دیروز که بازم جنبش مردمی ما آماج ارتجاع شاه بود، یاد این همزمان پاکباخته خردمبارزین زنده است. آنها برای میهن و مردم خود شهید شدند و در دل میهن و مردم خود زنده اند.

درگذشت رفیق ایرج اسکندری... بقیه از صفحه ۱

هنگامی که در روستاهای فاشیت در بناه رژیم رضا خانی به محض آمدن، اراتنی و یاران وی چون اسکندری که پرچم مبارزه انقلابی و آزادی میهن را برافراشته بودند، به بند کشیده شدند. وی همراه گروه ۵۳ نفر در سال ۱۳۱۶ با زندان شدت شد تا با ن حکومت سیا هر شاخ در زندان قصر که هنوز هم با دگار ۵۳ نفر را در دل خود را در زندان ماند.

رفیق ایرج اسکندری پس از آزادی از زندان و سقوط حکومت رضا خان در سال ۱۳۲۰ در بنیانگذاران حزب توده ایران شرکت جست. کنگره اول حزب توده ایران در سال ۱۳۲۲ برگزار گردید، وی را به عضویت کمیته مرکزی برگزید و او این سمت را تا پایان عمر خود حفظ نمود.

رفیق اسکندری در سنگر رهبری حزب توده ایران سالهای پرفراز و نشیبی را بپیمود. سالهای پربرورد ۲۴ - ۲۵، سالهای پرچوش و خروش ۳۰ - ۳۲ و کودتای آمریکا ۲۸ مرداد و سالهای پس از آن و سالهای پرفروشی خلق و سقوط رژیم منفور شاه و سرانجام سالهای استبداد سیا و خمینی و به خون کشیده شدن چند باره حزب توده ایران.

آثار و ترجمه های وی نقش موشری در تبلیغ و شویج ادبیات ما کبسیتی - لنینیستی دارد. ترجمه "کاپیتال" اثر مارکس و سترگ کارل ما رکی از کارهای ارزشمند وی با نندنی وی می باشد. او در مقدمه ترجمه این اثر از زشمند نوشت: "دراوانی که با تفاق رفیق فقید دکتر اراتنی دوست ارجمندی در به نشنا ر مجله خدمت گماشته بودیم، لزوم ترجمه آثار ما رکی بسوی کاپیتال را را مورد بحث قرار می گرفت. بنا به پیشنهاد دکتر اراتنی این وظیفه به نگارنده محول گردید. بهمین سبب در تابستان سال ۱۳۱۴ دست به ترجمه کاپیتال زدم و قسمت مهمی از کتاب در بهار ۱۳۱۶ خاتمه یافت. بود که با زاداشت ۵۳ نفر پیش آمد و کاری که آغاز شده بود منقوع ماند."

این کاربدها به دستور حزب و توسط رفیق اسکندری ادا می یافت و اکنون که ۵۰ سال از آغاز ترجمه کاپیتال می گذرد، بخش اعظم ترجمه این اثر اکنون با رها چاپ شده است. ما در گذشت رفیق اسکندری را به کمیته مرکزی واعضای حزب توده ایران صمیمانه تسلیت می گوئیم.

یادش گرامی باد

پوزش و تصحیح

در بنیا نیه مشترک ضمیمه کارشماره ۱۵ در بخش تحول در آرایش طبقاتی جامعه در سطح فاجای ملی شناها ملی تاپ شده و در سطح ۵۵ بجای شوقف کلمه تحقیق تاپ شد. دست گذر بدینوسیله تصحیح می شود.

نظا می در پرا برپوش سهمگین ارتجاع استاد. او می گفت: من خوب می دانم که ما نند در جنبش شراطی و کارکردن در جنبش محیطی تقریباً مساوی با مرگ است. او معتقد بود که با پیدا دان نمونه ها گران نظامی، بر شکست چپه شد. این اعتقاد او در پرا بردن خیمان شاه تجلی یافت. ۳۰ افرشجاع آزادخواه و وطن پرست توده ای به دستور شاه اعدام شدند. در پرا نژدهم تیر ۱۳۲۶ روزه ضمن یک درگیری مسلحانه شهیدان زخمی و به دست دشمن گرفتار شد. از این زمان او پیش روی خود وظیفه و ما موریت تاریخی دفاع از حزب در شرایط اسارت را قرار می دهد. اراده انقلابی و ستوار روزه در زمین ر رژیم را علیبرغم شکنجه های وحشیانه و همه دسای شان به از نواقتند. روزه بیدار گاه شاه را به صحنه افتای شما سبت رژیم ضدمردمی ضدل ساختن، به حقانیت اندیشه و آرمانهای والای کارگزاران و زحمتکشان پای نرفته و گفت "اگر عاشق و شیفته سوسیالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آتربا بر سوسیالیسم احسان کرده ام و محرک من در هر عملی که انجام داده ام، آزادی تحقق این اصول و یا نتیجه ایجاد بنیای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تا مین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است." او از راه خود حزب خود طاعنه دفاع کرده، می گوید "... من به عقاید پای بندم، نظرات سیاسی ام را مقدس می شمارم، به عهد و سوگند خود وفا دارم و به مفاسدی که در زیر آنکت حزب توده ایران کرده ام، احترام می گذارم..." و سرانجام اظهار می دارد "افتخار من این است که به وظیفه و ما موریت تاریخی خود عمل کرده ام"

رفیق خسرو روزه در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۷ به خوچه اعدام سیرده شد. او به هنگام اعدام تقاضا کرد که چشمیها را نبندند و هما نگونه که می خواست با چشمهای باز و خیره بر دشمن مرگ را بپذیرد. او زندگی و شخصیت انقلابی خسرو روزه الهام بخش و شرف تمام کسان است که در راه استقلال، آزادی مردم و برپایی جامعه ای بدور از ظلم و ستم و نابرابری علیه ارتجاع، و امپریالیسم به مبارزه بر می خیزند. زندگی و مرگ خسرو روزه شری شورانگیز و حماسی در سایش سوسیالیسم و کمونیسم، در سایش مردانگی و مردم دوستی و در وفا داری به حزبش بود. او با زندگی خویش مرگ را تحقیر کرد و با مرگ خویش زندگی را ستود و با خون خویش پرچم پیروز میهن جنبش کمونیستی و انقلابی ایران را هرچه خونینتر نگه کرد. اهتر از در آورد، او جا و دادانه شد.

شروع به فعالیت و مبارزه کرد. روحیه او در همه زندانهای سیاسی ایران در آن زمان زبا نندندانی بود. ساواک با رها و یاران او را با ظور میسازه و افشاکری هایش با زندان کرد تا مرگوار و بیگنندی از ادا به بیگار با زار داد. اما ما در تهرمان همه آنان را زبون ساخت. در جریا ن مبارزات با عترافات و اعتصابات زندان، همیشه زندانیان با چشم به اطراف ملاققات داشتند که خبرهای تازه خاتم سردی را بشنوند و آنچه را که می خواهند از طریق او به گوش مردم و زمان برسانند. ابستکار و هو شیاری ما در در انجام این وظیفه دشوار تحسین انگیز بود. شهادت عزیز ما در اانشکست، بلکه بر شمام و علیه رژیم افرو و بیوز نزدیک شدن انقلاب به شور و تازهای بخشید. ازال ۵۶ بجای اختساق شکست با زار و نواخته خاتم سردی در جوادیه خانه فداییان و مرکز فعالیت مبارزان جوادیه شدند. روزهای انقلاب مردم کوچه محل اقامت خانسواده سردی را کوچه شهید سردی نام گذاشتند و نشان را غرق گل ساختند. او همواره با مردم بود، او همواره با سازمان بود و تا آخرین لحظه عمر خود با رها دار و زجتگش فداییان خلق بود. یادش گرامی باد.

آستانه تلاشی است. امروز نیز یگان "جنگ ملیبی" علیه کمونیسم اعلام کرده و با وقاحت می گوید: "عمر کمونیسم به سر رسیده است. ریگان همانند سلف خود برای تا مین سیادت آمریکا بر جهان نیان، برای کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی و برای بازگرداندن مواضعی که نظام منحط سرمایه داری از دست داده است، به بی سبب ترین مسابقتی تسلیحاتی دست زده و جهان را به آستانه جنگ هولناک هسته ای سوق داده است. ریگان با این اقدام شنیع به فاشیستهای هیتلری پیام داد که "آسوده بخوابید، امپریالیسم آمریکا بیدار است" برای برگرداندن چرخ تاریخ به عقب، برای سیادت "سرما به"، ریگان همانند هیتلر آمده است که جهان را به کام جنگ، بکشد، دستا ودهای بشری را تا بودسا زدوندگی را در ساریه ما از بین ببرد.

موج اعتراض و تظاهرات مردم علیه این اقدام ریگان و در جریا ن دیداروی از کشورهای اروپایی غربی نشان داد که نیروهای شریخواه و صلح دوست جهان صمیمانه در مقابل اقدامات تها و زگرا نیه و جنگ طلبانه آمریکا ایستاده اند.

آن مادر قهرمان، دیگر در میان ما نیست

پس از سالها مبارزه و قهرمانی و زحمت روز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۶۳ ما در زحمتکش و مبارزانم لایلا سردی چشم از جهان فریوست و با مرگ خود همه فداییان خلق و نیز مردم زحمتکش جوادیه و جنوب شهر را در اندوه و تاثر فروبرد. فقدان این زن مبارز و مادر قهرمان را به زانو نده سردی، به فداییان خلق و مردم جوادیه و بیوز به خانواده شهید و زندانیان سیاسی تسلیت می گوئیم. خاتم سردی برای مردم مبارز جنوب شهر، بیوز جوادیه و کشتارگاه چهره ای شناخته شده بود که سابقه مبارزاتی به سالهای قبل از دهه چهل می رسد. مردم جوادیه خاتم سردی در جریا ن سیل جوادیه در اوایل دهه چهل خوب تر شناختند. در آن روزها خانه او "ستاد امداد" و مرکز کمک رسانی دانشویان و فعالین شد. در سال ۴۶ که در خیمان ساواک رفیق عزیز سردی فرزند انقلابی ما در دستگیر کردند، او چه در سراجان و چه در قزل قلعه و قمر پشاپیش خانواده ها

ادای احترام ریگان به فاشیسم...

که دهم ژوئن سال ۱۹۴۴ یکی از شهرکهای فرانسه را به آتش کشیدند، تمام ساکنان بی دفاع آنسرا کشتند و ۲۵۰ نفر کودک و معصوم و بی گناه را از دم تیغ گذراندند. با زید ریگان از قبرستان بیت سورگ شوین و با هانت به شریعت شریخواه و صلح دوست جهان و به خاطر میبشپنا انسانیت است که قربانی فاشیسم شده اند. نتایج کل به قبرجانیان این اس هیبتک حرکت است از جانب سرکرده امپریالیسم جهانی، بلکه تا بیدار فاشیسم از سوی آن واقدامی ددمنشانه برای تهدید ملل صلح دوست جهان و در ایران دشمنی با نیروهای عظیم و توانمندی بود که پرچم صلح و سوسیالیسم را برافراشته اند و یک صدا و یکبار علیه جنگ افروزان بیخا خاسته اند. این اقدام سمبل و نشانه بیوندشریتی بین نماینده ها ترین جناح امپریالیسم آمریکا و فاشیسم هیتلری است. هیتلر با شعارنا بودی کمونیستها و در کمونیسم یعنی اتحاد شوروی با به میدان گذاشتن جهان را به آتش کشید. هیتلر در سال ۱۹۴۵ در کتبا بنیرومن نوشت: "امپراتوری بزرگ در شرق در

نیکاراگوئه پیروز است

دولت ریگان ن بعد از زکست در تصویب کمک، ما لسی به فدا انقلابیون نیکاراگوئه درکنگره آمریکا مصمم گرفته است که رسماً با زرگانی با نیکاراگوئه رسماً تحریم کرده و ارتباط هوایی میان آمریکا و نیکاراگوئه را قطع کند.

این اقدام ریگان زمانی صورت می گیرد که سازمان "سیا" بعد از تلاشهای زیاد ضد انقلابی از با ندهای ریکاراگوئه بر سر هم بندی کرده و کسروه فدا انقلابی را در "تخا دا پوزینسیون نیکاراگوئه جمع کرده است. همراء با این اقدامات بنا به نوشته مطبوعات آمریکا، دولت ریگان ما تونیزرگی بنام "یونیورسال تراکت" در خاک هندوراس را بر نامه. ریزی کرده است. در جریان این ما تونیزرگی است بخشی از ساحل نیکاراگوئه را به تصرف شرایط طبیعی مشابه نیکاراگوئه است به انحال در آید. مطابق سناریوی کاخ سفید، خدا انقلابیون نیکاراگوئه هم زمان با اجرای این نقشه آمریکا تشکیل "دولت موقت" خود را اعلام و از آمریکا رسماً درخواست کمک نظامی خواهند کرد.

به گفته دا نیل اورنگاه دولت تجا وزگوریگان با این اقدامات با تحریم اقتصادی می خواهد نیکاراگوئه را به یک اردوگاه بزرگ زندانیان تبدیل کرده و سه میلیون جمعیت آواره گرسنگی بکشد. دولت کوچک ولی مصمم نیکاراگوئه را به زانو در آورد. اما دولت ریگان با موج گسترده تها ز اعترافات مردم جهان مواجه می گردد.

در اعلان شورای امنیت سازمان ملل متحد که به تقاضای نیکاراگوئه جهت بررسی تحریم اقتصادی آن کشور توسط دولت ریگان تشکیل شد، ده عضو از پانزده عضو شورای امنیت منجمله فرانسه، دانمارک و استرالیا خواستار لغو تحریم اقتصادی آمریکا علیه نیکاراگوئه شدند. ریگان در کنفرانس سران هفت کشور بزرگ سرمایه داری درین پایتخت آلمان غربی نتوانست نظر متحدین خود را برای تحریم اقتصادی نیکاراگوئه جلب کند. دولت فرانسه رسماً به پسن تصمیم آمریکا اعتراض کرد. نخست وزیر اسپانیا در ملاقات با دا نیل اورنگاه نظراً مخالف اسپانیا را با سیاست ریگان اعلام نمود. در شهرهای نیویورک و کالیفرنیا نظاً هرات گسترده ای در اعتراض به سیاست تجا وزگروانه ریگان در نیکاراگوئه برپا گردید.

با یاری حماسه آفرین مردم و دولت نیکاراگوئه در مقابل تجا وزگری امپریالیسم جهانخواه آمریکا و اراده آهنین آنها برای حفظ دستاوردهای انقلاب حمایت روز افزون نیروهای ترقیخواه جهان را جلب می کند. میخائیل گابریاچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در دیدار با دا نیل اورنگاه اعلام کرد: "اتحاد شوروی جدا طرفدار رفعا از حقوق مردم نیکاراگوئه برای توسعه و تکامل آزادانه، مستقل و دمکراتیک بوده و همبستگی خود را با مبارزین نیکاراگوئه علیه دسایس تجا وزگروانه امپریالیسم اعلام می دارد". رهبران دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز در دیدار با رهبر نیکاراگوئه حمایت قاطع خود را از نبرد سرنوشت ساز مردم نیکاراگوئه علیه توطئه های دولت ریگان اعلام کردند. گروهی از مردم اسپانیا که هنگام ورود دا نیل اورنگاه به ما در دیدار دوگانه جمع شده بودند و فریاد می کشیدند: "نیکاراگوئه پیروز می شود".

نیکاراگوئه پیروزی خود را "پسین شعاری است که اراده و خواست قلبی ملت و دولت نیکاراگوئه و همه نیروهای مترقی جهان را بیسان می دارد. ملت و دولت انقلابی نیکاراگوئه تنها نیستند و تسلیم نخواهند شد.

فکامی های آمریکا در کنفرانس هفت کشور

کنفرانس سران هفت کشور عمده سرمایه داری به مدت سه روز از دوازده تا چهاردهم اردیبهشت ماه درین پایتخت جمهوری فدرال آلمان برگزار شد. در این گردهمایی مسایل "تجارت بین المللی" و "بده های نظامی آمریکا در مورد گسترش مابعمه تسلیحاتی در فضا و تصمیم ریگان مبنی بر تحریم اقتصادی نیکاراگوئه طرح گردید.

در اسلای اخیر قضاوت و کشاکش بین کشورهای سرمایه داری پیچیده تر در زمینه تجارت خارجی و مناسبات پولی شده پدید آمده است. دولت ریگان در راه صدور کالاهای ارزان قیمت از این به آمریکا مانع بوجود می آورد و از این راه برای خرید کالاهای آمریکا بی تحت فشار می گذارد. نرخ دلار نسبتاً افزایش یافته است. از سال ۸۰ تا ۸۴ نرخ مبادله نسبت به پول ۲۳ کشور طرف معامله آمریکا ۳۳٪ افزایش یافت. افزایش سریع نرخ بهره بانکی در آمریکا موجب سرازیر شدن سرمایه های اروپا به

آمریکا گشته است. در کنفرانس سران هفت کشور بر سر حل اختلاف در زمینه تجارت خارجی و مناسبات پولی بحث های صورت گرفت. ولی نتیجه ای به دست نیامد. قرار شد که برای رفع موانع بازرگانیسی مذاکرات مجددی صورت گیرد. کنفرانس بر سر تارسی قطعی این مذاکره به توافق نرسید. قرار است تا میتران با آغاز مذاکره در اوایل سال آینده میلادی مخالفت کرد.

بنا به اصرار دولت ریگان. نقشه های آمریکا برای گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا بعنوان موضوع اصلی در دستور کار کنفرانس سران هفت کشور قرار گرفته بود. هدف ریگان از این اقدام، جلب نظر متحدین آمریکا برای پیشبرد جنگ ستارگان بعنوان طرح دفاعی استراتژیک بود. دولت آمریکا مدتهاست که رزوا رتیلیتیاتی برده اندای راه انداخته است تا نشان دهد که طرحهای جنگ افروزانده ای در فضا صرفاً جنبه دفاعی داشته و قاطعاً در راست بشریت و از خطر هسته ای "نجات دهد و فضا را برای نیکاراگوئه انسان را از وقوع جنگ هولناک هسته ای " بر طرف سازد. این اغواگری های ریگان را حتی برخی از متحدین خود آمریکا نیز قبول ندارند.

ریگان در کنفرانس سران هفت کشور نتوانست نظر سایر کشورهای شرکت کننده را نسبت به طرح جنگ افروزان خود جلب کند. قرار است میتران رئیس جمهور فرانسه عدم علاقمندی دولت فرانسه را به شرکت در طرح جنگ ستارگان اعلام داشته.

ریگان در کنفرانس سران هفت کشور تحریم اقتصادی نیکاراگوئه را طرح کرد و کشورهای شرکت کننده خواست تا با آمریکا همکاری نکنند. ریگان در این مورد نیز نتوانست به هدف خود برسد. وزیر خارجه جمهوری فدرال آلمان اظهار داشت: "ما معاً اقتصاد اروپا اقدامات اقتصادی خود را بعنوان وسیله اعمال سیاست خارجی نمی پذیرد و گفت: "ما معاً اقتصاد اروپا به تمام و کفایت همه کشورهای آمریکای مرکزی منجمله نیکاراگوئه ادا نخواهد داد".

کنفرانس سران هفت کشور عمده سرمایه داری با وجود تدارک وسیعی که برای موفق گردانیدن آن صورت گرفته بود، نتوانست به اهداف خود برسد. اجلاس این کنفرانس نشان داد که سیاستهای تجا وزگروانه و جنگ افروزان ریگان حتی در درون هفت کشور عمده سرمایه داری یعنی نزدیکترین متحدین آمریکا با موانع روبرو است.

تدارک برای تحمیل ... بقیه از صفحه ۱

و مختصات آن نگرده و انتشار مفاد آواره پس از تصویب نهایی آن، موقوف نموده است. رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از تجربه شکست های فلت با رش در برابر رگران، این بار قبل از اینکه تمام قانون کار را تدوین و تصویب کند، ابتدا قانون شوراها را که ستون اصلی قانون کار است، به طور محرمانه به تصویب رساند تا راه را برای تصویب کلیت قانون کار هموار سازد. نثریه کا و هدف ما لویا نه رژیم از تصویب "قانون شوراها و اسلامی کار" اینچنین افشاء کرد: "هدف رژیم از تصویب این قانون، هموار کردن راه تحمیل یک قانون کار ارتجاعی است، چرا که اصولاً تشکیل مستقل کارگری، ستون فقرات قانون کار و نیرومندترین ضامن اجرایی آن است. ارزش هر قانون کار قبلی از هر جنبه ای این معیار سنجیده می شود که تا چه اندازه حق شکل صفتی کارگران را به رسمیت می شناسد و تضمین می کند. رژیم جمهوری اسلامی از آنکامی می های پایینی در تحمیل یک قانون کار ارتجاعی، در سال ۶۳، تصویب آنرا تا فرصت مناسب به تعویق انداخت. این بار دست به یورش حساب شده شرو و حیله نتری زده و به حقی کلیت قانون کار، در حاس ترین بخش آن یعنی حق شکل صفتی کارگری از مورد تهاجم قرار داده است تا به زعم خود راه را برای تصویب و تحمیل یک قانون کار ارتجاعی جدید هموار سازد. از این نظر، ایستا دگی در برابر بر تحمیل قانون ارتجاعی شوراها و اسلامی کار، ایستا دگی در برابر تحمیل قانون کار ارتجاعی جدید است" (کارشماره ۱۵)

قانون شوراها و اسلامی کار که در بهمن ماه به تصویب رسید، فصل هشتم پیش نویس قبلی قانون کار سردی زاده و با اصلاح شاه بیت آن بود. بدیهی است که لایحه جدید قانون کار اسلامی برپایه های بوشالی همان مصوبه ارتجاعی و ضد کارگری متکسی است. میمتران ایرادات و دربار آن مصوبه، همچنانکه قبل نیز تصریح کردیم، عبارت است از: نقض حق شکل صفتی مستقل، نفی حق مشارکت کارگران در اداره و تولید و ممنوعیت شکل کارگران دروا ده های بزرگ دولتی. لایحه جدید قانون کار اسلامی با یک جنبش روح و جوهری تدوین شده و بعنوان مصوبه هیات دولت روانه مجلس شده است. از اینسو حتی اگر رژیم، لایحه با اصلاح جدید را تصویب نهایی اش همچنان از دید کارگران مخفی نگه دارد، و تنها فم شوراها و اسلامی را برای افشای مضمون ارتجاعی و ضدکارگانه، کوشش لایحه کا ف است.

وظیفه کارگران و پیشروان گاه است که با تکیه بر این تحارب برپا رنه تنها مضمون ارتجاعی این

قوانین با صلاح جدید را افشا نمایند، بلکه بر تفهیم کامل اصول تدوین یک قانون کار مترقی، با رد دیگر تارکیده و زوند، این ضوابط و اصول عبارتند از: ۱ - مشارکت کارگران در تدوین و اجرای قانون کار. ۲ - تدوین قانون کار بر اساس اصول و ضوابط حقوقی مصرح در اعلامیه جهانی حقوق سندیگایی و مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار. ۳ - شمول تمام داشتن قانون کار بر ای همه مزد و حقوق بگیران و واحدهای تولیدی و خدماتی و انواع از بخش های دولتی، خصوصی و تعاونی. ۴ - ضمانت اجرایی داشتن قانون و تعقیب و مجازات همه متخلفین از آن. اینهاست ثرویس اصلی ضوابط تدوین یک قانون کار مترقی.

از آغاز زپیروزی انقلاب تا کنون، شعار تدوین قانون کار مترقی با مشارکت کارگران، اساسی ترین و محوری ترین مطالبه صفتی - سیاسی توده های میلیونی کارگران ایران بوده است. سرنوشت همه مطالبات صفتی و حقوقی کارگران در گرو نتیجه سرنوشت قانون کار است. کارگران مبارز و پیشرو با دیدش از پیش توجه و حساسیت انقلابی و طبقاتی توده های میلیونی کارگران را نسبت به این مسئله سیاسی و سرنوشت ساز این شعار برپا نگیزند. پیروزی طبقه کارگر در این مرحله از جنبش قانون کار قبلی از هر جنبه مستلزم مبارزه هائیک و یکپارچه و سراسری کارگران ایران است، و وظیفه مقدم کارگران پیشرو و مبارز در این لحظه، افشای بیگانه نامه هیست ارتجاعی و ضدکارگری قانون شوراها و لایحه جدید قانون کار اسلامی و تسلیخ و ترویج مختصات یک قانون کار مترقی بویژه تاکید بر ضرورت مشارکت کارگران در تدوین قانون کار است.

کارگران و پیشروان شعار ضرورت مشارکت در تدوین قانون کار رفعا لانه در این کارزار شرکت می کنند، آنها با علم به اینکه رژیم خمینی نه می خواهد دونه می تواند قانون کار مدافع حقوق زحمتکش را به تصویب رساند و به اجبار، ضرورت مشارکت در تدوین این قانون کار را فشار می کشند و رژیم را پیش افشاء و رسوا می سازند. بدیهی است که تشکیل و تقویت هسته های مخفی کارگری دروا ده های مختلف و هماهنگی آنها برای سازماندهی اعتراضات توده ای کارگران حول جنبش قانون کار، یک ضرورت مبرم و درنگ ناپذیر است. فعلاً این کارگری در این لحظه، با سبب افشای این قوانین ارتجاعی و تشویق توده کارگران به ضرورت دفاع از حقوق صفتی خود، زمینه برگسزاری گردنهای کارگران کارگری بررسی قانون شوراها و لایحه جدید قانون کار را فراهم می کنند. این گردنهای با می تواند چه به ایست کارگران یک واحد بزرگ، چه به صورت فراخوانی از چند واحد در یک منطقه کارگری و یا حتی از طریق شعبات

کارگر" تشکیل گردد. حتی اگر امکان برکسزانی چنین جمعی در روزارت کار نیز وجود داشته باشد، کارگران نباید از آن غافل شده، بلکه آرا همانند دفعات پیشین به تریبونی برای افشای قوانین ضد کارگری بدل کنند.

یکی از مؤثرترین اهرمهای سازمانگری قانون کار در سالهای ۶۰ و ۶۱، سازماندهی "کمیته های کمیسیون های بررسی قانون کار" توسط کارگران بود. این کمیته ها در بسیاری از واحدها و همچنین در برخی از شعبات کارگر تهران نظرات و پیشنهادات کارگران را حول پیش نویس ها و حتی مواد تبصره های آن جمع آوری می کردند. به این ترتیب بحث قانون کار در کارخانجات فعالانه بگیری می شد. اکنون نیز می توان همین نیاز و موطا لسه کارگری متناسب با شرایط واحدها، کمیسیون های علمی با لایحه مترقی و یا اساساً هسته های مخفی کارگری را تشکیل داد. و در عین حال امکانات مراکز علمی و تشکل های صفتی - دولتی را نیز به حساب آورد.

الیه اکنون موانع "کارخانه کارگر" در مورد قانون شوراها مواضعی ارتجاعی است و اگر در این شرایط نیز جمعی را برای بحث حول این قانون فراخواند عمدتاً به منظور بررسی "آیین نامه اجرایی" قانون شوراها خواهد بود تا مضمون و جوهر آن، اما کارگران مبارز و زبانه صفتی استفاده از این مکان را نیز نادیده بگیرند. ضرورتی که جنبش قانون کار گسترش یابد چه بسا که از درون همین کمیسیون های حقوقی، تشکل های صفتی آینده سر بر آورند.

کارگران و پیشروان مبارز باید این مکان را مورد توجه جدی قرار دهند، فعالین کارگری هسته های مخفی در عین حال با پدید آری زمانه ندهی ناراضی ها و اعتراضات برآکنده کارگران علیه این قوانین ارتجاعی، مراجع اذقیبل مطبوعات، رادیو و تلویزیونی، خانه کارگری و حتی کمیسیون کار و موآرتجاعی مجلس (که وظیفه بررسی این لایحه را بعهده گرفته است) را زیر فشار قرار دهند.

کارگران مبارز و پیشرو همه نیروهای مدافع حقوق کارگران، علاوه بر اینها، موظفند از طریق انتشار اعلامیه، تراکت، دیوار نویسی و دیگران مکتفی، در مناطق تجمع، سکونت و کار زحمتکش این مبارزه را گسترش دهند. همچنین در مسلمان دیگر اقشار طبقه حاکمیت از حقوق یا مال شده کارگران را برانگیزند.

با توجه به گسترش روز افزون جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران و ضرورت سازماندهی این مبارزه در راستای جنبش قانون کار، فعلاً این کارگری باید با سازماندهی و تقویت هسته های مخفی کارگری و استفاده از همه امکانات تشکل ها و جماع علمی افشاء و طرد قوانین ارتجاعی موجود را سازمان دهند.

از نبرد فدائیان خلق

به دنبال او چکیری جنگ جنایت کارانه رژیمهای ارتجاعی صدام و خمینی و بمباران مناطق مسکونی دوشکور، هم میبایست مبارز و بیگانه را در داخل کشور و در نقاط مختلف جهان اعتراض و مبارزه علیه جنگ و رژیم خمینی را تشدید کردند. بنا به دعوت فداییان خلق و توده های هادخارج کشور اهیما میها و میتینگ های اعتراضی گسترده در نقاط مختلف جهان برپا گردید که در زیر نظر گروه های ایران بسیاری آگاه های خوانندگان آن شناخته می یابند. در این نمایشات اعتراضی شرکت کنندگان ضمن محکوم کردن رژیمهای ایران و عراق، خواهان قطع بمبارانهای مناطق مسکونی و استقرار رفوری صلح شدند.

آلمان فدرال - بنابه دعوت فداییان خلق و توده های هاد آلمان، راهیما می با شکوه و بی سابقه ای در شهرین برگزیده، این مراسم یکی از گسترده ترین نظرات ایرانیان در مقیم خارج کشور بود. در روز دهم فروردین ماه، هم میهانان ما در این نظرات با شکوه علیه سران جنایتکار و جنگ طلب جمهوری اسلامی به اعتراض پرداختند. شرکت کنندگان در این نظرات با حمل پوسترها و شعارهای گوناگون جنایات رژیمهای ایران و عراق را افشا و رسوا ساختند و افکار عمومی جهان نسبتان را بیش از پیش متوجه جنگ خانمان برآند زدورژیم نمودند. نظرات گسترده هم میهانان ما در این استقبالی مردم آن شهر که ناظر نظرات بودند و نیروهای انقلابی و دموکرات مواج گردیدند و از آنها حمایت شد. در طول مسیر نظرات، بسیاری از مردم به راهیما می پیوستند و تفرخ خود را از اقدامات ما خارجیان رژیم جمهوری اسلامی ایران می داشتند. این نظرات مورد حمایت حزب کمونیست عراق (آلمان فدرال) و نیروهای مترقی کردستان عراق قرار گرفت.

فرانسه - پارسی - روز دوشنبه پنجم فروردین ماه بنابه دعوت فداییان خلق و توده های هاد در پاریس، نظرات گسترده ای علیه جنگ و رژیم خمینی برپا گردید. خواهان نظرات وسیع "کمیته فرانسوی

همبستگی بین المللی - بقیه از صفحه ۱۲
کا رگری (CGIL) بزرگترین سندیکای کارگری ایتالیا، فونگی، مسئول امور بین المللی اندراسون حزب کمونیست ایتالیا در رم، راهیما می با موکری را از اعضای رهبری انجمن ملی پارتنرهای ایتالیا، خوان بریتینی از رهبران حزب کمونیست شیلی، فسان از جبهه دموکراتیک ملی لبنان و نماینده حزب کمونیست عراق (ایتالیا) جزء سخنرانان بودند. **برلین غربی -** در جشن برلین پیا میهای از سوی احزاب و سازمانهای زیر در برلین غربی به ایمن مناسبت و در اعلام همبستگی با مردم ایران و سازمان مادر یافت گردید.

حزب کمونیست ترکیه (اتحاد)، حزب کمونیست عراق، حزب ملی باکستان، حزب کارگران و دهقانان باکستان، اتحادیه دانشجویان ویتنامی و اتحادیه دانشجویان کردارویا.

گام ها - در جشن تورنتو میهانان از جانب حزب کمونیست کانادا و انجمن دموکراتیک پرتغالیها، عراقی ها و پاکستانی های مقیم کانادا حضور داشتند و ضمن پیا میهای همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام نمودند.

فرانسه - در جشن پارسی احزاب و سازمانهای انقلابی و دموکراتیک گوناگونی شرکت نمودند و ضمن پیا میهای شادباش و پر شوریه مناسبت نوزدهم بهمن ماه، همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام کردند. در این جشن پیا میهای زیر قرا شد:

پیا کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، حزب توده ایران، حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست اروگوئه، حزب دموکرات کردستان عراق، جنبش جبهه انقلابی شیلی (میر)، حزب مترقی و سوسیالیست مراکش، اتحادیه کارگران ترکیه و در فرانسه و نیز کمیته فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران. **اثریش -** در جشن چهاردهمین سال تولد سازمان در اثریش نمایندگان از جانب حزب کمونیست حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست شیلی شرکت کردند. شرکت کنندگان ضمن پیا میهای همبستگی همه جانبه خود را با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام کردند. در این جشن پیا میهای از اسپانیا، در جشن اسپانیا که تعداد زیادی از شخصیتهای انقلابی و دموکرات اسپانیا شرکت داشتند پیا میهای زیر یافت گردید:

همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران و کمیته فرانسوی علیه اختناق در عراق، فعلا لانه شرکت داشتند. همچنین سنا شور "فرناندو فور" عضو فرا کسیون حزب کمونیست فرانسه در نظرات شرکت نمودند. بسیاری از اعضای حزب کمونیست عراق و هواداران حزب دموکرات کردستان عراق نیز در نظرات پنجم فروردین پارسی شرکت کردند.

یونان - آتن - نهم فروردین ماه بنابه دعوت فداییان خلق و توده های هاد نظرات وسیعی علیه جنگ ایران و عراق در مرکز شهر آتن برگزیده گردید. در این نظرات علاوه بر هم میهانان ما و از وطن ما نمایندگان از جانب حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست لبنان، شورای مرکزی جوانان کمونیست یونان و جبهه دموکراتیک دانشجویان سودانی شرکت نمودند. مردم آتن با مشاهده نظرات ایران نسبتان مقیم آن کشور علیه جنگ و رژیم خمینی آژانسان و خواسته هایمان پشتیبانی و حمایت کردند.

سوئد - استکهلم - فداییان خلق در سوئد روز سوم فروردین ماه، میتینگ علیه جنگ ایران و عراق برگزار کردند. در این میتینگ تعداد زیادی از هم میهانان مقیم استکهلم شرکت کردند و اقدامات جنگ افروزانه و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نمودند. همچنین در شهر گوتنبرگ "سوئد" میتینگ دیگری از جانب فداییان خلق در محکوم ساختن جنگ و برقراری رفوری صلح برپا گردید. در این میتینگها شرکت کنندگان، بمباران مناطق مسکونی ایران را شدیداً محکوم نمودند.

انگلستان - لندن - روز سه شنبه ۱۳ فروردین از سوی فداییان خلق و توده های هاد در انگلستان میتینگ با شکوهی در اعتراض به جنگ و جنایات رژیم خمینی و صدام در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن برپا گردید. در این میتینگ "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" فعالیت وسیعی داشت. شرکت کنندگان در جنگ و اختناق در ایران را محکوم کردند و با شعارهای خود آزادی زندانیان سیاسی ایران را خواستار شدند. در این میتینگ نمایندگان نیروهای احزاب انقلابی و مترقی نیز شرکت داشتند.

هندوستان - دهلی - سوم فروردین ماه، بنابه ابتکار فداییان خلق و توده های هاد نظرات با شکوهی با شرکت جمع کثیری از هموطنان مقیم هند در دهلی نوبر گزارا گردید. در این نظرات بسیاری

جوانان حزب کمونیست اسپانیا و پیا میهای حزب کمونیست اروگوئه، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، گروه کمونیست مراکش، پیا میهای جبهه ویتنامیک و پیا میهای مجمع عمومی کمیته همبستگی با خلقهای (السالوادور، نیکاراگوئه، پاراگوئه، کولمبیا، شیلی، آرژانتین، اروگوئه و پرو) در اسپانیا.

آلمان فدرال - در جشن آلمان پیا میهای حزب کمونیست آلمان، قرا شد که در دیدار استقبالی حاضرین مواج شد. در این مراسم همچنین پیا میهای همبستگی از جانب حزب توده ایران، حزب دموکراتیک خلق افغانستان (آلمان فدرال)، اتحادیه کارگران فلسطینی، اتحادیه کارگران کرد، سازمان جوانان سوسیالیست، کمیته های صلح و... در یافت گردید.

آمریکا - جشنها در ایالات و شهرهای گوناگون آمریکا از جمله کالیفرنیا، تکزاس، لس آنجلس، واشنگتن، آرلینگتون و بیگانسن برپا شده بود که جلوه های از حمایت همه جانبه بین المللی از مبارزات مردم ایران و سازمان ما علیه ارتجاع بود. در پیروزیهای آزادیها، انتشار می یابند:

پیا میهای حزب کمونیست آمریکا، اتحادیه جوانان حزب کمونیست آمریکا، شورای صلح آمریکا، کمیته برای فلسطین دموکراتیک، کمیته همبستگی با خلق السالوادور، کمیته همبستگی با آمریکا، لائوس، کمیته همبستگی با خلقهای ایران، هواداران جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، هواداران جبهه دموکراتیک ملی در لبنان.

هندوستان - در جشنهای با شکوه سالروز تولد سازمان که در شهرهای دهلی نو، بنگلور و پونا برگزار گردید، نمایندگان احزاب سازمانها و جمعیت های گوناگونی شرکت نمودند. شخصیتهای سیاسی و اجتماعی برجسته هندوستان از جمله س. ج. فاروقی در پیروزی ملی حزب کمونیست و عضویات ام. راجا پیه مرکز حزب کمونیست هند، پاراکاش کارت دبیر کمیته یا لیتی دهلی و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (راکیست)، بریج موهان دبیر کل حزب کنگره (ایندیرا) و رئیس کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - شهردهلی، مولانا میاندی ملی آفریقا در هندوستان، دکتر جیسی، راماکریشنا شمیم برجسته هندی و دبیر اول انجمن دوستی هندوستان و شوروی، سوریا نارایونا راگسور پریس مرکز اتحادیه های کارگری هندوستان و عضو پارلمان ملی، ان. بی. نارایان سرهندوستان و کنگره اتحادیه های کارگری سرهندوستان و کاملا بایی مبارز برجسته و سرشناس هند در ایسن جشنها شرکت نمودند و طی سخنانی ضمن شادباش به

از مردم صلح دوست و آزادیخواه دهلی نوبنیروهای فلسطینی مقیم هندوستان شرکت داشتند. شرکت کنندگان در نظرات پس از طی مسیرهای تعیین شده در مقابل سفارت جمهوری اسلامی اجتماع نمودند و جنگ طلبی و جنایات ارتجاعی حاکم بر ایسران را محکوم کردند. در این مراسم نمایندگان سازمانهای دموکراتیک گوناگون هند برای اجتماع کنندگان در پارسا بر سفارت جمهوری اسلامی سخنرانی و پرسی آن بسیاران مناطق مسکونی و کشتار مردم یکنانه را محکوم نمودند. در پاریس شرکت کنندگان با مسدود کردن معزها، قطع رفوری جنگ و بمباران مناطق مسکونی شدند و نسخه ای از قطعنامه خود را به سفارتخانه های ایران و عراق ارسال داشتند.

اثریش - وین - به ابتکار فداییان خلق و توده های هاد روز پانزدهم فروردین ماه نظرات وسیع و گسترده ای در شهر وین برای اعتراض به ادامه جنگ و بمبارانهای جنایتکارانه مردم یکنانه دفاع و دکشور برپا گردید. در این نظرات تعداد دکشوری از ایرانیان مقیم اثریش شرکت جستند و پس از گذشتن از مقابل سفارت عراق به سمت سفارت جمهوری اسلامی در اثریش حرکت نمودند. در پاریس شرکت کنندگان در این راهیما می با صدور قطعنامه های قطع رفوری بمباران مردم یکنانه دفاع مناطق مسکونی دکشور، قطع رفوری جنگ و استقرار صلح را خواستار شدند. در این راهیما می تعداد زیادی از نمایندگان احزاب و نیروهای انقلابی و دموکراتیک اثریش شرکت جستند و از شرکت کنندگان در نظرات حمایت کردند.

ایتالیا - میلان - بنابه دعوت فداییان خلق و توده های هاد روز سیزدهم فروردین ماه نظرات وسیع در اعتراض به جنگ و بمبارانهای وحشیانه مردم یکنانه دفاع دکشور در میلان برپا گردید. این نظرات مورد حمایت مردم شهر میلان قرار گرفت و خبر آن به سرعت انعکاس یافت. شرکت کنندگان در این نظرات خواستار قطع رفوری جنگ، قطع شکنجه و کشتار رمیهن پرستان در ایران و قطع جنایت علیه خلق گردیدند. در پاریس این نظرات از جانب فداییان خلق، توده های هاد، نمایندگان احزاب کمونیست عراق (ایتالیا) و سازمان ایالتی حزب کمونیست ایتالیا، قطعنامه ای که در آن استقرار صلح و قطع بمبارانهای مناطق مسکونی خواسته شده بود، انتشار یافت.

سازمان ما به مناسبت نوزدهم بهمن سالگردتاسیس سازمان همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و نیروهای انقلابی کشور ما اعلام داشتند. همچنین در این جشنها پیا میهای بسیاری از جانب احزاب و سازمانها و جمعیت های شرکت کننده در جشن دریافت گردید.

دانمارک - در جشن کینهاک میهانان می از ملیت های گوناگون شرکت کردند. همچنین متجاسوز از حزب و سازمان انقلابی و مترقی ما را رسال پیا میهای همبستگی خویش را با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام نمودند. حزب کمونیست دانمارک با پیا میهای که در جشن قرا شد، همبستگی خود را با سازمان و مردم میهن ما اعلام نمود. این پیا میهای با استقبال گسترده شرکت کنندگان در جشن روبرو گردید.

هلند - در جشن آمستردام تعداد زیادی از پیا میهای احزاب سازمانها و جمعیت های انقلابی و دموکراتیک دکشورهای مختلف جهان قرا شد گردید. این پیا میهای همگی حاکی از همبستگی گسترده نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر جهان با مبارزات مردم میهن ما و سازمان ما بود.

یونان - در جشن آتن رفیق اسپیراستا شاکسی به نمایندگی از جانب حزب کمونیست یونان سخنرانی کرد و همبستگی کمونیستهای یونان را با سازمان ما و مبارزات مردم ایران اعلام نمود. در این جشن همچنین پیا میهای همبستگی با مبارزات مردم سازمان ما از جانب احزاب، سازمانها و جمعیت های انقلابی و دموکراتیک شرکت کنندگان در جشن در یونان که اسامی آنها در زیر می آید دریافت گردید:

حزب کمونیست یونان، سازمان کارگران حزب کمونیست یونان، سازمان جوانان حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست فلسطین، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست اسپانیا، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه پیشرو پارسا صلح و برابری در اسپانیا، جنبش پیشرو دانشجویان قبرس و نیروهای پیشرو لبنان.

فیلیپین - فداییان خلق در فیلیپین، علیرغم شرایط پلیسی و اختناق حاکم بر آن کشور که طبیعتاً فعالیتهای نیروهای انقلابی و مترقی با شرکتها در آنجا را با موانع جدی مواجه می سازد، با ابتکار خاص جشن چهاردهمین سال تولد سازمان را برپا ساختند. نماینده حزب کمونیست فیلیپین فمسن سخنانی چهاردهمین سالگرد تولد سازمان را تبریک گفت و موفقیتهای پلنوم اخیر سازمان را ستود.

از میان گزارشها

اعتصاب کارکنان سازمان باهواز

کارکنان سازمان آبا هواز در راهبده با خواستهای صنفی خود از جمله افزایش حقوق دست به اعتصاب زدند. مسئولان حکومتی و ارگانهای سرکوبگر رژیم گسسه از اعتصاب آنها وحشت زده شده بودند به حربه سرکوب متوسل شدند. کارکنان مقام اعتصابی در مقابل یورش پاسداران ایستادگی نمودند و از خواستههای به حق خویش دفاع کردند. آنها می گویند افزایش غیرقابل تحمل هزینه های زندگی باعث شده است که حقوق و دستمزد اندک ما به هیچ وجه کفاف زندگی ما را نکند. یورش پاسداران خمینی باعث مجروح شدن تعدادی از اعتصابیون شد ولی مقاومت و ایستادگی آنها مسئولان را وادار به عقب نشینی کرد. مسئولین وعده داده اند که هر چه زودتر به خواسته های آنان رسیدگی کنند.

ناآرامی در دانشگاه تهران

تهران - ناآرامیهایی که از چندین پیش در دانشگاه تهران بروز کرده است، همچنان ادامه دارد. اقدامات انجمن اسلامی در جریان پلسوای حجاب بر آن دامن زد. از جمله حرکات او با شانه آنها در روز سوم اردیبهشت در دانشکده پزشکی با واکنش اعتراضی تند دانشجویان، کارمندان و استادان این دانشکده روبرو گردید. اختلاف میان کادر علمی و انجمن اسلامی نیز بر سر نحوه تدریس، شیوه اداره کلاسها و... بالا گرفته است. افراد انجمن اسلامی به خود حق می دهند هر زمان که بخواهند به بهانه خدمت درجه ای از آمدن به کلاس خوداری نمایند. از جمله آنها افراد انجمن اسلامی دانشکده هنرهای زیبا بودند که علیرغم غیبت چند ماه می خواستند به رتبه تدریسی که شده نمره قبولی بگیرند. معاون اداره آموزش دانشگاه که این رفتار آنها را تقبیح کرده بود با خشم آنها روبرو گردید. تفرات انجمن اسلامی به اتاق ریخته و او را مغرور کردند. گروهی از کادر علمی دانشگاه با صدور بیانیهای این اقدام را محکوم ساختند. در این بیانیه می گوییم "اوباش" تا میباید خدمت افراد انجمن اسلامی نیز متقابل در هفته اردیبهشت بیانیهای صادر کرده و طی آن مخالفین را مورد تهدید قرار دادند.

اعتراض مجروحین به جنگ افروزی رژیم

تفرات و نزاع مردم از سیاستهای جنگ طلبانه و ضد مردمی رژیم روزبروز گسترده تر می شود. در فروردین ماه سال جاری پس از شکست حمله (بدر) و پیر شدن بیماران از مجروحین جنگی، نماینده سپاه اراک برای با مصالح عیادت از مجروحین جنگی به یکی از بیمارستانهای اراک مراجعه می کنند. مجروحین پس از اطلاع از قضیه بلافاصله بدون آخوند مزبور حلقه زده و با نشان رخن و ناساز به جنگ و جنگ افروزی او و محافل فتنه ساز رژیم رستاخیز بیرون می کنند.

مبارزه و مقاومت دهقانان

بدنبال صدور احکامی مبنی بر بازگشت بزرگ مالکان بر روستاهای استان فارس، مقاومت و مبارزه دهقانان زحمتکش روستاهای منا طبق نورآباد، اقلید، مسمنی و مرودشت در مقابل بزرگ مالکان و ارگانهای حکومتی جزو قایم بزمه شده است.

در اقلید فارس، تعداد زیادی از دهقانان زحمتکش در مقابل احکام حاکم شرع مبنی بر بازگرداندن زمینهای خود به بزرگ مالکان ایستادند و از اجرای این احکام مانع کردند. آنها دستجمعی از مردم تهران شدت و به ملاقات نماینده اقلید در مجلس رفتند و او را مجبور کردند که از بازگشت بزرگ مالکان و خوانین به منطقه و احکام صادره انسی دادگاهها در مجلس محبت کند.

فشار روشنیقات علیه عشاير محروم

فارس - اخیراً ارگانهای سرکوب رژیم دست به عشاير محروم فارس را به عناوین گوناگون دستگیر می کنند. هم اکنون تعداد زیادی از دهقانان و عشاير زحمتکش این منطقه به دلیل مقاومت و مبارزه علیه

بزرگ مالکان با آنها مواهی، آشوب و بی اغیگری در شیراز زندانی شده اند

اعتراض جمعی پیروزمند درواحد ارتشی مسجد سلیمان - چندی پیش در کارخانه نانک سازی مسجد سلیمان که توسط ارتش اداره می شود، یکی از کارکنان را به خاطر مشاخره لفظی با مسئول عقیدتی - سیاسی این واحد بازداشت کردند. به دنبال آن قریب به ۱۰۰ تن از پرسنل کارخانه متحدا به مسئولین مراجعه کرده و خواهان آزادی همکاران شدند. افسر فرمانده به تهدید آنان برخاست و گفت اعتراض جمعی در ارتش کیفر سختی دارد. اما معترضین علیرغم این تهدید، قاطعانه بر خواسته خود پایداری کردند تا توانستند در همان روز زندانی را آزاد نمایند.

گسترش اعتراض و مقابله مردم با رژیم

اخیراً به شرکتها و کارخانجات دولتی دستور داده شده است که در اولین فرصت نام و آرم شرکتها یا کارخانه ها را از روی وسایط نقلیه خود پاک نمایند. این امر به دلیل تشدید مواج و تقویه خود پاک کردن از حاکمیت و ارگانهای تابعه اش می باشد. بیکسرات مشاهده شده است که مردم با بدین واسط نقلیه مزبور به اعتراضات و اقدامات سازنده و مردمی در اعتراض به رژیم آنها رابه آتش کشیده اند.

واگذاری اموال مصدراهای به سرمایه داران بزرگ

به دنبال تصمیمات علنی رژیم مبنی بر بازگذاشتن دست سرمایه داران بخش خصوصی و بازار در چپاول و غارت ثروتهای مملکت و اموال مردم اخیراً کشت و صنعت شیروان که شامل هزاران هکتار از مرغوب ترین زمینهای زراعی منطقه است در اختیار یکی از سرمایه داران معروف بازاریار به نام حاجی طرخانی قرار گرفت و قرار است کارخانه قند شیروان نیز توسط همین شخص خریداری گردد. سابقاً کشت و صنعت شیروان متعلق به هنریزیانی بود.

نقش امنیتی انجمنهای اسلامی

گسترش روزافزون جنبش کارگری حاکم خائنین جمهوری اسلامی را سخت به وحشت انداخته است. رژیم برای مقابله با این روژات کارگران کارخانجات اخیراً اقدام به اتخاذ یک سری تدابیر امنیتی کرده است. از جمله این اقدامات بازسازی انجمنهای اسلامی و گماردن ما موران اطلاعاتی و امنیتی در آنهاست. اخیراً انجمن اسلامی کارخانه ایران خودرو به تلاش گسترده ای جهت عضوگیری و جلب مجدد عناصر مستعفی از انجمن اسلامی دست زده است. به دنبال این اقدام از افراد شناخته شده ای که سابقاً با ساواک همکاری می کردند، و در کنترل امور کارخانه از جانب ساواک دخالت داشتند، برای عقوبت در انجمن اسلامی ویا همکاری با آن دعوت بعمل آمده است.

در کارخانه فیات تهران نیز در سازماندهی انجمن اسلامی از پایین به بالاتر تغییرات زیادی بوجود آمده است. مراعاتی ترکیب جدید را عموماً کارکنان کارگری که افرادی ارتجاعی و حجتیای می باشند تشکیل می دهند. این تغییرات و اقدامات باعث شده است که اکثر کارگرانی که قبلاً در انجمن اسلامی فعالیت داشتند، دیگر حاضر به همکاری با آن نباشند.

شکست تلاش رژیم برای ایجاد بسیج

در کارخانجات تبریز

تلاشهای سپاه پاسداران تیریز برای ایجاد بسیج کارخانه در کارخانه های گوناگون با مقابله و بی اعتنائی کارگران مواجه شد. رژیم گسسه نتوانست با تشکیل کمیته انضباطی حراست و انجمن اسلامی مبارزه کارگران را کنترل کند، می گویند با توسل به حیللهای گوناگون جلوی مبارزه کارگران را بگیرد و یا ایجاد کارخانهای مختلفی که نقش اطلاعاتی دارند، در صفوف کارگران تفرقه بینا نندازد و از تشکلهای مبارزه آنها جلوگیری کند. سپاه پاسداران تیریز علیرغم تلاشهایش به دلیل مخالفت کارگران و عدم استقبال آنها نتوانست در لایسگاه تبریز و در کارخانه کبریت سازی ممتاز و احادیسی ایجاد کند. کارگران اکنون بیش از پیش به حیللهای رژیم پی می برند و به مقابله با آنها می پردازند.

اتحاد کارگران پروفیل نیمه سبک

کارگران کارخانه پروفیل نیمه سبک تهران به دنبال تصمیم مدیرعامل کارخانه مبنی بر جابجایی کارگران دست به اعتراض یکپارچه زدند. به دنبال

این امر مدیرعامل کارخانه تصمیم به اخراج کارگران معترض گرفت، کارگران کارخانه پروفیل نیمه سبک بطور متحد در مقابل اخراج همکارانشان که با اشتغال خود به بخش های دیگر مخالفت کرده بودند ایستادند و مدیرعامل کارخانه را مجبور به عقب نشینی کردند.

اخراج کارگران حربه رژیم برای مقابله با جنبش

رژیم همچنان به اخراج بدون وقفه کارگران ادامه می دهد. حکام جمهوری اسلامی از حربه اخراج برای مقابله با جنبش اوج یا بنده کارگری سود می جویند. کارگران متحدا در مقابل این سیاست ضد کارگری رژیم خمینی می ایستادند و مبارزه می کنند. در این مورد وزارت کار، مدیریت و انجمنهای اسلامی کارخانجات واداستانی و سپاه پاسداران با همکام عمل می کنند. اخراج کارگران بعلل گوناگون صورت می گیرد، وضع بحرانی اقتصاد کشور و مبارزه گسترده کارگران برای تحقق خواسته های شان و در مخالفت با سیاستهای رژیم علت اصلی اخراجهاست.

چندی پیش رئیس اداره کار آذربایجان در سمنان مدیران کارخانجات و واحدهای دولتی که در اداره کار تیریز تشکیل شده بود، اعلام داشت: "بعلت بالا رفتن هزینه زندگی و پایین بودن دستمزد کارگران نارضایتی در میان کارگران بسیار زیاد است و ما نمی توانیم خواسته های کارگران را برآورده کنیم" او گفت: "... در کارخانجات بزرگ و مراکز کارگری دولتی ما به هیچوجه خواسته های کارگران را هر قدر هم که برحق باشد، نماند قبول کنیم، زیرا بعد از آن طوی آنان را گرفت". در ادامه این سیاست اغلب کارخانه های تیریز دست به اخراج کارگران زدند از جمله کارخانه ماشین سازی تبریز اخراج ۷۰۰ نفر از کارگران را در دستور قرار داده است. و کارخانه آجر سازی تبریز نیز کارگران کلیه کارگران خود را اخراج نموده است. در کارخانه پشم و پوتی تبریز شیفت شب را تعطیل و کلیه کارگران را از اخراج نموده است. در کارخانه چرم سازی تبریز با ننگان اخراج کردند. همچنین در کارخانه موتوژن تبریز همکاران خود بودند، اخراج شدند. این وضع در واحدهای تولیدی دیگر نیز ادامه دارد.

بسیاری برای ساخت تجهیزات جنگی

اهواز - در کارخانه پایساز واقع در سه راه خرمشهر کارگران را مجبور ساختند بدون دریافت حق اضافه کاری تا دوساعت بیش از ساعات کاری روزانه کار نمایند. این اضافه کاری را بخاطر ساختن پل های شناور ارتشی به کارگران تحمیل کردند.

مقاومت کارگران در برابر اخراج

کارخانه دارویی ایران شکوه وابسته به وزارت بهداشتی، مدتی است که مواد اولیه وارداتی برای تولید خود را در بازار آزاد به واحدهای دیگر می فروشد و خود به تولید میادرت نمی کند. علت این امر ظاهر غیراقتصادی بودن تولید این کارخانه است. اخیراً مقامات وزارت بهداشت تصمیم به تعطیل کارخانه مزبور گرفتند. در پی این امر مدیریت ایران شکوه بلافاصله درمقابل اخراج کارگران کارخانه برآمد. این تصمیم با اعتراض و مقاومت یکپارچه کارگران روبرو گردید. مبارزه کارگران جهت لغو این تصمیم همچنان ادامه دارد.

زنان کارگر، خواستار مهدکودک هستند

تهران - مهدکودک کارخانه جاکموفوق العاده کوچک و غیربهداشتی است. کارگران تاکنون به دفعت نسبت به این وضعیت اعتراض کرده اند. چندی پیش عده ای از زنان کارگر همراه با یکی از مریبان مهد کودک برای طرح شکایت در این زمینه به وزارت کار مراجعت کردند. ولی نتیجه این شد که کمی بعد این مریبان از کار خارج نمودند. جرم او همراهی با زنان کارگر بود. چندی پس از آن وزارت کار طی حکمی دستور تعطیل این مهدکودک را صادر نمود. اما زنان کارگران اجرای این حکم جلوگیری کردند. اخیراً در یک اقدام تضحیقی دیگر دستور دادند که مداران حق ندارند در طول روز به نوزادان خود سر بزنند و یا به آنها غذا بدهند.

در همین کارخانه در پی افزایش شعارتوبی علیه رژیم ۵ تن از زنان کارگر را دستگیر کردند. آنها را تا روز ۵ اردیبهشت در زندان نگه داشتند سپس به قید ضمانت آزاد ساختند.

بمب گذاری و کشتار مردم ره آورد سلطنت طلبان

بمب راکه دشمنان مردم روز ۲۲ اردیبهشت ماه در خیابان ناصر خسرو تهران منفجر کردند، ۱۵ تن از هم میهنان ما را به شهادت رساندند تعداد بسیاری را نیز زخمی کرد. در شرایطی که جنگ افروزی خمینی دسته دسته جوانان مردم را به کشتن می دهد و حملاتی جنایتکارانه صدام به شهرهای ایران هزاران تن را به خاک و خون می کشاند، دستجات فدا انقلابی سلطنت طلب نیز چنین ددمنشانه به کشتار مردم دست می زنند. این وابستگان حلقه به گوش امیرالیم، چیزی جز رنج و محنت و ماتم برای مردم ما نمی خواهند. اینان که برای یادها یگانا می در میان توده های زحمتکش نمی بینند، در پس انبوه تبلیغات اغواگرانه شان از هیچ جنایتی علیه مردم میهن ما ایستادارند.

سلطنت طلبان به کمک رادیوهای بی که امیرالیم آمریکا و همدستان آن در اختیارشان گذاشته است، مزورانه تلاش می کنند خود را بانی "نظم و امنیت و آزادی" معرفی کنند و به کارهایشان را در پهنای جغرافیای رژیم خمینی پنهان سازند. اما این دشمنان رسوا شده خلق با کارگذاشتن بهب در محل تردد و تجمع مردم زحمتکش و کشتار و کوروددمنشانه مردم شریف ایران را بیش از پیش برده از ما هیت پلید خود برمی دارند. تنها و تنها دشمنان مردم هستند که می گویند راه رسیدن به هدفهای خود را برپیکر خون آغشته مردم هموار کنند. خلق رژیم سلطنتی را به بادست خود به گور سپرد، و با خشم و نفرت برای ابد فداست آثر خوانند.

دروغ پردازهای پیشروان رژیم علیه خلق

در پی تظاهرات گسترده مردم جنوب تهران علیه جنگ ورژیم، سران مرتجع جمهوری اسلامی هم به منظور سرکوب و ارباب مردم و هم برای تحریف افکار عمومی و حتی انکار وجود هرگونه تظاهرات مردمی علیه جنگ بر تلافی خود افزودند. در این میان هریک از سران رژیم نقش ویژه ای بر عهده گرفتند از جمله شعی رفسنجانی اندیشه پرداز ارتجاع حاکم و طیفه دروغ پردازان، زدن اتهامات به کلنی های سایر عهده گرفت.

رفسنجانی در نماز جمعه ۹ فروردین مردمی را به معیاران تهران و روحیات مردمی گوید "تهران شایسته جنگ را یک مقدار بهتر فهمیدند، تهران یک قدری در متن جنگ آمد" و نیز برای جلوگیری از هرگونه تکراری و تشریح مقامات طرفداران رژیم در مورد حرکات احتمالی توده های گسترده در تهران اعلام کرد "هیاهوی بلند نخواهد شد، اما علیرغم این امیدواریها، کمترین زود هفتش بعد در جنوب تهران تظاهرات گسترده ضد جنگ به وقوع پیوست که با سخندان شکتی به بیاه و گویی های امثال رفسنجانی بود. پراو فاج است که سخنان وی در ۹ فروردین انتکاس نگرانی در درون هیات حاکمه نسبت به واکنش احتمالی مردم بوده است.

با بعد از تظاهرات گسترده جنوب تهران، برورد و برخی شهرهای دیگر، رفسنجانی رو بسا ه مفتان به زما زکا نال مبارزه با بیجایی وارد می شود و بطرز وقیحا نه ای به عوام مغربین دست می زند، وی در نماز جمعه ۱۶ اردیبهشت ماه اعلام می کند که "اطراف مدرسه هایی که دختران هستند، آنهم در منطقه جنوب شهر... یک عده الواط را که با مطلاج خودشان سیاسی هم هستند که ره بودند و به دختران مردم وجهه های مردم معترض می شدند" و "می دانستند که کمیته ها می آیند، می دانستند که مردم می آیند... و یک روز کمیته آمد جلوی اینها را بگیرد... رفسنجانی سپس علت بروز تظاهرات کوی ۱۳ آبان را جمع بندی می کند و می گوید: "ریشه این مسایل جنسی است، بهیانه مسایل جنسی است، اما هدف سیاسی است".

چرا رفسنجانی این دروغ بزرگ را اختراع کرده است؟ چرا او دهها هزار ایرانی را که در اکثر شهرهای ایران علیه جنگ ورژیم خونخوار خمینی تظاهرات می کنند با بیگونی به خشم و کینه دشمنان ما می دهد. او این دروغ بزرگ را علمی کند تا سادر پشت پرده این دروغ، حقیقت بزرگ مخالفت و اعتراض همگانی خلق علیه جنگ جنایتکارانه سران رژیم را پنهان کند. به همین دلیل است که هر بار که سران رژیم با تظاهرات مردم روبرو می شوند، علاوه بر سرکوب توسط سپاه و کمیته دربار به بیجایی و بدحجابی "مساله آفرینی می کنند و دستجات تحریک شده" حزب الله را به جان مردم می اندازند. علیرغم این دروغها، جنبش ضد جنگ بیست و نوزدهم روز بروز به مقامات دشوم سردمداران رژیم که

برایشان کشتن و به کشته دادن دهها هزار جوان و نوجوان اصلا در آور نیست پس برده می بینند. مردم دیگر به نشان دادن شهنوخت خود در صفهای نان و گوشت و تخم مرغ اکتفا نمی کنند. ناراضی مردم به حدی رسیده است که اکنون علیه رژیم تظاهرات می کنند و روز بروز ماده پذیرش خطرات بیشتری در راه می شوند. هر چه سردمداران خون آشان مردم قریب به شهنوخت جنگ بدمند، خشم مردم بیشتر با نه می کشد و کینه و نفرت آنان عمیق ترمی شود. رفسنجانی و امثال او دیگر نمی توانستند توده های مردم را بغریبند.

همبستگی بین المللی با مبارزات مردم و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت ۱۹ بهمن سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق در خارج از کشور جشنهای پرشکوهِی برپا ساختند. این جشنها هم به دلیل تعداد شرکت کنندگان و هم به علت شرکت وسیع نمایندگان احزاب و سازمانهای انقلابی و دموکراتیک سراسر جهان بی سابقه بوده است. این امرا حل تلاش بیگانه و خستگی ناپذیر فدائیان خلق و تشکیلات سازمانها در خارج کشور است. در این جشنها احزاب و سازمانها و انجمن های انقلابی و دموکراتیک همبستگی شوانگیز خود را با مردم ایران و سازمان ما در مبارزه علیه رژیم اعلام نمودند. گزارشی که می خوانید براساس جمع بندی گزارشات کمیته خارج از کشور سازمان تنظیم شده است. سوده بسیاری از احزاب برادرانمان انقلابی و جمعیت ها و تشکلهای دموکرات با بیامیهای خود با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام همبستگی نمودند. در پیام حزب کمونیست کارگری سوئد آمده است: "وقایع که در کشور ما جریان دارد، حاکی از این است که طبقه کارگر ایران در مقابل رژیم خمینی تمکین ننموده است".

در پیام حزب کمونیست شیلی (شعبه سوئد) اشاره شده است: "وقایع تبریکات رژیم جویانه ما را از سوی حزب کمونیست شیلی بخاطر چرخه ردهمین سالروز تولد سازمانتان تبریک می گویم".

همچنین در این مراسم پیامهایی که فهرست تعدادی از آنها به شرح زیر است، دریافت گردید: پیام حزب کمونیست، ما رکسیت (کمونیست انقلابی) سوئد، پیام حزب کمونیست سوئد، پیام کمیته صلح سوئد، بطلان پیامیهای حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست بولیوی، حزب کمونیست پاراگوئه، حزب کمونیست آرژانتین، حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست کره، سازمان برای آزادی فلسطین، حزب سوسیالیست کره، سازمان برای آزادی فلسطین، انگلستان - هیاتهای نمایندگان پیوندگاران، احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی در بیامیهای خویش با مبارزات مردم ایران و سازمان ما اعلام همبستگی نمودند. در این جشن رفیق کریس مانیت عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست انگلستان سخنان پرشوری ایراد کرد.

انگلیسها هم سازمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان در لندن توسط نماینده آن خوانده شد. در این پیام آمده است: "ما سازمان شما را که با پیروی از ایدئولوژی مردمی و مترقی، مارکسیستی-لنینیستی استوار و پیگیر برای پاسداری از حقوق اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران بیکسار می نمایم، تقدیر می کنیم".

سپس نماینده حزب کمونیست عراق در انگلستان سخنانی در حمایت از مبارزات مردم ایران و سازمان ما ایراد کرد. بعد پیام حزب کمونیست آفریقای جنوبی به سازمان قرائت گردید و پس از آن نماینده کنگره ملی آفریقای پیامی شامل کنگره ملی آفریقا و مردم میسر آفریقای جنوبی به سازمان را به نام استخوانه همبستگی قرائت کرد. آنگاه در میان شور و آوازها سخنان شرکت کنندگان در بیان رسالتی از سوی اتحادیه معدنچیان انگلستان (ناحیه کنت) قرائت شد. در این پیام آمده است: "ما در پی ما این گذشته از طریق تلاشهای سازمان شما از اعتبارات پر شمارا رکارگران ایران، که مهمترین آنها اعتبارات پانزده هزار کارگر ذوب آهن آهن آهن بودند، با خبر شدیم... ما در این چهاردهمین سالگرد سازمانتان دست شما را در دوستی و همبستگی می فشاریم".

همچنین در این مراسم پیامی از سوی جبهه دموکراتیک خلق السالوادور، جبهه آزادیبخش فارابونندو مارتنی، حزب کارگران، کمیته همبستگی برای حقوق سندیکا بی و دموکراسی در ترکیه (شعبه انگلستان) و سازمانها و انجمنهای دموکراتیک دیگری دریافت گردید.

اینها همگی - جشن رهبا شرکت نمایندگان احزاب، سازمانها و تشکلهای انقلابی و دموکراتیک بسیاری برپا کردند. زمین میهمانان شرکت کنندگان در این جشن رفقا گولیا تا تازجا نب دبیرخانه مرکزی سندیکا بی بقیه در صفحه ۱۰

تاپای جان، برای میهن و مردم

به یاد رفقا امیر پرویز پویان و یاران

چهارده سال از شهادت رفقا امیر پرویز پویان اسکندرمادنی نژاد و رحمت بیرونذیری از رهبران و بنیانگذاران سازمان ما می گذرد. در سوم خرداد سال ۱۳۵۰، رفقا پویان و بیرونذیری در منطقه نیروی هوایی شهبان طی یک نبردنا براساس توسط مزدوران ساواک و شهبانی رژیم شاه به شهادت رسیدند. در همین روز رفیق اسکندرمادنی نژاد در منطقه دیگری در تهران، در یک درگیری غافلگیرانه شهبان را در برابر شهبانی به شهادت رسید. در فروردین ماه همین سال شهبانی رژیم شاه عکس از تن از رهبران و بنیانگذاران سازمان متجمعه، این سه رفیق را در مراسم سرکشورخیزش و برای دستگیری آنها جوار بزرگان تعیین کرده بود.

رفیق امیر پرویز پویان در سال ۱۳۲۵ متولد شد. وی در آغاز فعالیت سیاسی خود ابتدا به محافل سیاسی - مذهبی راه یافت و سپس مارکسیسم - لنینیسم را شناخت و آثار راهنمای مبارزه خود قرائت کرد. او در پی رژیم گروهبان - پویان - احمدزاده (یکی از گروه بنیانگذار سازمان) که در اوایل سال ۱۳۴۶ تشکیل شد، نقش بسیاری بر جسته ای داشت. پویان در اوایل دهه ۴۰ محفلی مارکسیستی متشکل از دانشجویان دانشگاه مشهد تشکیل داد که بعداً این محفل به شاخه رزمنده گروه تبدیل شد. اکثر آنان از جمله رفقا حمید توکل و بهمن آژنگ، غلامرضا گلوی، مهدی سولونی توسط رژیم شاه به شهادت رسیدند. رفیق پویان با رفیق صدبهرنگی دوستی و روابط بسیار نزدیکی داشت. رفیق پویان پس از درگذشت رفیق صدبها تلاش خستگی ناپذیر توانست شاخه تبریز گروه را با رهبری رفقا بهرورد هقانی، علیرضا نابدل و مناف فلکی سازماندهی کند.

رفیق پویان به مسایل ادبی و هنری علاقه بسیار داشت و در زمینه های مختلف از آثار بی جا مانده آثار وی در اثر خود به نام "سفر به کجا آید" که با نام مستعار شهسوری، انتشار یافته است. اندیشه های او توسط برخی روشنفکران دهه ۴۰ با همان روش و خلاقیت به نقد کشیده است. رفیق پویان اثرات نقاد دیگری با عنوان "خشمگین از امیرالیم، ترسان از انقلاب" مباحث و دیدگاههای خود - بورژوازی جلال آل احمد را نقد کرده است. رفیق پویان به عنوان یک انقلابی پر شور و قهرمان و یک رفیق اندیشمند در یاد دارد. هر چه از محبوبیت بسیار برخوردار بود. شهادت رفیق پویان از نمونه های برجسته قهرمانی و اخلاقیت به کوشید. در میان خلق رفیق بیرونذیری با اعتبارها دشمن جنگیدند و در حالی شهید شدند که از سنگر آنها صدای گلوله و ششمار برای به گوش می رسید. یکی از خا طره های که بعدها همه جا، در زندان، در سازمان و در میان مبارزین - نقل و تحلیل می شد این بود که رفقا پویان و بیرونذیری، در جریان شهادت ما مورین رژیم صخره سفونی شاره ه بتهون را روی گرام گذاشته و در حالی که غرض ما ریش با صدای گلوله بهم میخسه بود رزمیدند و جان دادند.

رفیق اسکندرمادنی نژاد که همزمان با رفقا پویان و بیرونذیری به شهادت رسید، کارگر رفیق شهبان و رفیق شهبان بود. وی به اتفق رفیق شهید جمیل انفرادی در زندانهای تراشکاران و فلزکاران فعالیت می کرد. او به تمام معنی یک انقلابی قهرمان و راسخ بود. اسکندرمادنی نگذاری سازمان را به گران به کوشید. در میان خلق نام و یاد رفیق کارگر اسکندرمادنی نژاد همواره رزمجاسی و ایثار همراه است. رفقای ما، رهبران و بنیانگذاران سازمان فدائیان خلق ایران برای میهن و مردمان، برای آزادی و پیروزی رنجبران ایران رزمیدند و جان فدا کردند. آنها فرزندان انقلابی، مدتی و مصمی خلق خود بودند. خاطره زندگی و رزمشان در سینه خلق جاودان است.

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

مسئول: **DR. GERTRAUD ARTNER**
 NR. 029 10701 - 650
 AUSTRIA - WIEN
 BAWAG

آدرس: **PI. 10 1091 WIEN AUSTRIA**
 آدرس: **10**

پیش بسوی جبهه متحد خلق